

ظرفیت‌سنجی نهضتی بریلوی‌های پاکستان

اسماعیل باقری¹

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و دوم، شماره 4، پیاپی 88، زمستان 1400؛ صفحات 36-5

تاریخ پذیرش نهایی: 1400/09/10

تاریخ دریافت: 1400/08/20

چکیده

اگرچه پاکستان از نظر استقلال پیشینه زیادی ندارد، اما در چند دهه گذشته بر تحولات منطقه بسیار تأثیرگذار بوده است. این کشور که در سال ۱۳۲۶ به رهبری محمدعلی جناح از هندوستان جدا و مستقل شد، با تکیه بر دین اسلام شکل گرفت. کشور اسلامی پاکستان از یک سو به دلیل قرار گرفتن در ژئوپلیتیک حساس میان هند، چین، افغانستان و ایران و از سوی دیگر وجود فرقه‌ها و گروه‌های متعدد مذهبی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. جمعیت مسلمان نزدیک به ۲۰۰ میلیونی پاکستان ظرفیت عظیمی است که مورد توجه کشورهای غربی و حتی عربی است. اغلب گروه‌های افراطی و مذهبی پاکستان نظیر دیوبندی‌ها، اهل حدیث‌ها و جماعت تبلیغی و... توسط کشورهای معارض اسلام راستین به خدمت گرفته شده و ابزاری برای توسعه خشونت شده‌اند. در این میان مکتب فکری- مذهبی بریلوی به عنوان جریان معتدل اهل سنت جایگاه ویژه‌ای در پاکستان دارد که هر چند مکتبی آشنا به نظر می‌رسد، اما واقعیت این است که این مکتب به طور شایسته مورد توجه قرار نگرفته است و در خصوص مبانی اعتقادی، ماهیت‌شناسی بریلوی‌ها، اهداف و رویکردهای آن، گروه‌های صوفی مسلک، ساختار سازمانی و وضع تشکل‌های آنان و غیره در ایران، تحقیق درخور توجهی صورت نگرفته است که در نوشتار پیش رو به ظرفیت‌سنجی نهضتی این مکتب می‌پردازیم.

واژگان کلیدی

ظرفیت‌سنجی، پاکستان، بریلوی، مقاومت

مقدمه

پیروان دین اسلام از دیدگاه فقهی و کلامی به مذاهب گوناگونی تقسیم می‌شوند که برخی از این مذاهب خود به فرقه‌های مختلف تقسیم شده‌اند. مذاهب و فرقه‌های اسلامی از لحاظ عقاید، آداب و رسوم و مقتدی به چهار گروه عمده تقسیم می‌شوند: سنی، شیعه، صوفیه و مذاهب شبه اسلامی. در این میان جنبش‌های فکری اهل سنت به چند گروه عمده تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: سلفیه، دیوبندی و بریلوی که هر یک از این جنبش‌ها خود گروه‌های متعدد و فرقه‌های مختلف دارند.

علت عمده ایجاد مکتب بریلوی، نگرانی و انزجار گروه‌های صوفی مسلک و علمای بریلوی از توسعه و نفوذ تفکرات وهابیت و مکتب دیوبندی بود؛ به ویژه که یکی از مهم‌ترین دلایل خصومت مکتب دیوبندی با مکتب بریلوی، تعلقات مذهبی آن است و در ترکیب رهبری «جمعیت علمای اسلام» به خوبی دیده می‌شود. تفسیرهای تندروانه مکتب دیوبندی از مفاهیم توحید و شرک و مواجهه خصمانه با پدیده‌های نو و مذاهب دیگر، از خصوصیات دیگر مکتب دیوبندی است که موجب تکفیر بریلوی‌ها از سوی دیوبندی‌ها نیز شده است. شاید به همین علت شناخت مکتب بریلوی و ظرفیت‌های نهضتی آن، ما را در نحوه تعاملات مان با پاکستان و گروه‌های مذهبی آن یاری‌رسان باشد؛ به ویژه که مکتب دیوبندی به عنوان رقیب سرسخت بریلوی‌ها، ارتباطات نزدیکی با گروه‌های افراطی از جمله طالبان داشتند و در سال ۱۳۷۳ جمعیت علمای اسلام (شاخه فضل الرحمن) با کمک ارتش پاکستان، گروه طالبان را در افغانستان وارد صحنه سیاسی کردند و از آن زمان تا کنون با حمایت از گروه‌های تندرو، به نوعی امنیت و ثبات افغانستان و منطقه را با تهدیدهای جدی مواجه کرده‌اند.

با توجه به این مطلب، بریلوی‌ها به عنوان دشمنان دیوبندی‌ها و جریان وهابیت می‌توانند ظرفیت‌های ویژه‌ای در امور نهضتی داشته باشند که طی سال‌های گذشته به نوعی مغفول مانده است؛ به ویژه که بریلوی‌ها در مقایسه با دیوبندی‌ها کمتر سازماندهی شده عمل کرده‌اند، حامیان قدرتمند خارجی ندارند و احزاب و گروه‌های سیاسی بریلوی محدود و کم‌توان هستند و به همین علت زمینه برای استفاده از این فرصت برای تولید نهضت اجتماعی و حتی سیاسی مخالف جریان‌های تندرو وجود دارد. علاوه بر این بیش از ۷۰ درصد جمعیت سنی پاکستان را بریلوی‌ها تشکیل می‌دهند. بریلوی‌ها عمدتاً در ایالت پنجاب ساکن هستند. در این ایالت فرقه‌گرایی چندان رونقی ندارد، اما در جنوب پنجاب^۱ و حومه شهرک‌های صنعتی گجرانواله و فیصل‌آباد افراط‌گرایی

۱. زیرساخت افکار دینی مکتب بریلوی، اندیشه مولانا احمد رضاخان بریلوی و دیگران است. بر اساس یک

وجود دارد. دیوبندی‌ها اغلب در ایالت خیبر پختونخواه و نیز ایالت بلوچستان و مناطق قبایلی آزاد متمرکزند و به شدت در گروه‌های افراطی تندرو متعدد سازماندهی و با وهابیت به نوعی عجین شده‌اند. به طور حتم مدارس دینی دیوبندی‌ها و وهابی‌ها از حمایت کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی برخوردارند. بریلوی‌ها نیز مشترکات زیادی با مذهب تشیع دارند. البته طی چند سال گذشته آل سعود سعی کرده است نفوذ خود را میان بریلوی‌ها نیز افزایش بدهد که تا حدودی هم موفق بوده است.

مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان از ظرفیت اهل سنت بریلوی که مشرب فکری نزدیکی به شیعیان دارد، در پیشبرد اهداف نهضتی جمهوری اسلامی ایران در پاکستان استفاده کرد؟

۱. چارچوب نظری

امروزه وجود جنبش‌های اجتماعی و سیاسی به امری عادی تبدیل شده است. جوامع غربی و غیرغربی در طول چند سده گذشته تقریباً به طور مستمر با انواع جنبش‌های اجتماعی از قبیل جنبش دهقانی، کارگری، اسلام‌گرایی، ضداستعماری، جنبش زنان و... روبه‌رو بوده‌اند. بیشتر پژوهشگران جنبش‌های اجتماعی بر این باورند که جنبش‌ها را گروه‌هایی با عمل هماهنگ و سازمان‌یافته و دارای ارزش‌های مشترک ایجاد می‌کنند که هدف‌شان دگرگونی یا مقاومت در برابر دگرگونی در نهادهای اجتماعی یا در نظم اجتماعی است. در نتیجه ایجاد دگرگونی اجتماعی یا تغییر، بخشی از ویژگی‌های اساسی جنبش‌هاست. بدون تردید عوامل متعددی از قبیل آرمان و اهداف مشخص، برنامه و زمان‌بندی مشخص، رهبری و ایدئولوژی معین، سازماندهی و... را می‌توان نام برد که در ایجاد و تداوم جنبش‌های اجتماعی بین ملل اسلامی و ملل غربی یکسان است. اما به طور کلی جنبش‌هایی که میان مسلمانان رخ می‌دهد، تفاوت عمیقی با جنبش‌های غربی دارد. به همین علت بسیاری از تحلیل‌گران غالب جنبش‌های مناطق مسلمان‌نشین را ذیل «جنبش‌های اسلامی» بررسی می‌کنند. این جنبش‌ها نوعی از حرکت‌های اصلاح‌طلبانه مردمی و کم و بیش سازمان‌یافته هستند که خواهان تغییر وضع موجود به وضعی مطلوب، مطابق احکام و دستورهای اسلامی، در ابعاد مختلف فکری، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی، از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز و غیرمسالمت‌آمیز هستند. در واقع مهم‌ترین هدف جنبش‌های اسلامی این است که

تقسیم‌بندی مذهبی دیگر، وابسته به نحله فکری «اهل السنة و الجماعة» به شمار می‌رود که در برابر مکتب اهل حدیث که به «اهل السنة» شهرت یافته، قرار می‌گیرد؛ چون اینها اجماع را یکی از منابع معتبر پس از قرآن و سنت می‌دانند؛ در صورتی که اهل حدیث به اجماع خلفا و صحابه به عنوان يك منبع قوی اهمیت نمی‌دهند. پیروان عقاید «سنت و اجماع» در اواخر دوران حاکمیت استعمار انگلیس بر شبه‌قاره، راه مخالفت و مبارزه با استعمار را پیش گرفتند و در دهه ۱۹۴۰ از استقلال پاکستان حمایت کردند.

امکانات و منابع معنوی، فکری، مادی و انسانی خود را در جهت تأسیس «حکومت اسلامی» بسیج کنند (صبوری، ۱۳۸۵: ۸۵).

در خصوص علل شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی باید گفت که عده‌ای جنبش‌های اسلامی را واکنشی در برابر استیلا و استعمار دنیای غرب تلقی می‌کنند و برخی دیگر جریان اسلامی را نوعی مخالفت در برابر فرهنگ مدرن غرب می‌دانند. اما واقعیت این است که ناتوانی، شکست و قطع امید از جنبش‌های ناسیونالیستی، جریان‌های مارکسیستی و گروه‌های لیبرال جانبدار غرب از عوامل درخور در شکل‌گیری و رشد اسلام‌گرایی بوده است. هرچند اسلام‌خواهی سیاسی و تشکیل حکومت اسلامی عامل اصلی تحركات جنبش‌های اسلامی بود، اما استبداد و وابستگی سیاسی، ناکارآمدی دولت‌ها، نبود آزادی‌های سیاسی، انواع تبعیض‌ها، فقدان عدالت اجتماعی، فساد مالی، فقر و شکاف طبقاتی گسترده بین جوامع مسلمان، شکل و نوع جنبش‌ها و مسیر مقاومت قشرهای مختلف مردم را تغییر داد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) جنبش‌های اسلامی وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی خود شدند و به سمت مبارزه با استبداد داخلی، حکومت‌های وابسته به غرب و برپایی حکومت اسلامی حرکت کردند. هم‌اکنون غالب جنبش‌های اسلامی، شعارهای انقلابی ایران مانند جهاد، شهادت و ایشار را به عنوان اصول اساسی مبارزاتی خود پذیرفته‌اند (صدیقی، ۱۳۷۵: ۱۰۷).

از قرارداد وستفالی (۱۶۴۸) به بعد نظریه‌های متعددی در این باره که مبنای سیاست‌های يك کشور چه بنیادی داشته باشد، مطرح و سرانجام ایده «دولت - ملت» مطرح شد؛ گرچه عده‌ای معتقدند که امروزه ایده «ملت - دولت» (Nation-State) بر ایده دولت - ملت برتری دارد. اگر ما در تعریف خودمان دولت - ملت بگوییم، در واقع دولت است که منافع ملت را بیان می‌کند و اگر ملت - دولت بگوییم، ملت منافع دولت را تعیین می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد واژه درست‌تر «ملت - دولت» باشد. دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی در نظام بین‌الملل، نماینده ملت‌ها به شمار می‌آیند و تضمین‌کننده منافع همان دولتی هستند که بر آن حاکم می‌باشند. به همین علت این بحث دو پایه دارد: یکی اینکه مبنای تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها باید ملت باشد؛ دوم اینکه دولت‌ها تصمیم‌ها را به مرحله اجرا می‌گذارند و با سایر بازیگران حکومتی به چانه‌زنی، مذاکره و گفت‌وگو یا نبرد و ستیز می‌پردازند.

طبق دیدگاه فوق، جمهوری اسلامی ایران بر اساس منافع و آرمان‌های انقلاب اسلامی، از نهضت‌های آزادی‌بخش ضداستبدادی، ضداستعماری و ضداسلامی حمایت می‌کند. «نهضت» به معنای حرکت و خیزش برای قیام علیه وضع نامطلوب تعریف شده است (بهمن، ۱۳۹۴: ۷۲). سیاست‌های نهضتی، سیاستی است که يك نظام در مورد حمایت، عدم حمایت و یا نحوه حمایت

(مادی یا معنوی) از جریان‌های اجتماعی یا سیاسی که ظرفیت نهضتی دارند؛ اتخاذ می‌کند. به طور مسلم نهضت‌های اسلامی می‌توانند درونی و علیه حاکم مستبد و یا علیه کشوری استعمارگر یا جریان‌های افراطی - تکفیری باشند.

سیاست‌های نهضتی جمهوری اسلامی ایران ناظر به حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، اعم از اسلامی و غیراسلامی است؛ اما با توجه به اولویت برقراری روابط با جهان اسلام و توان و امکانات مالی، به طور قطع حمایت از نهضت‌های جهان اسلام در درجه اول اهمیت قرار دارد و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، با توجه به محدودیت امکانات و منابع مادی و مالی، در اولویت بعدی است. بدون شك در حمایت از نهضت‌ها باید اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت را در نظر گرفت. اهداف کوتاه‌مدت، هدف‌های ملی هستند که به تمامیت ارضی و حفظ استقلال مربوط می‌شوند. اهداف میان‌مدت به شکوفایی اقتصادی و داشتن نقشی منطقه‌ای مرتبط است و اهداف بلند یا درازمدت به داشتن جایگاهی میان نهضت‌های آزادی‌بخش جهان با اتخاذ سیاست‌های نهضتی مربوط می‌شوند. بنابراین باید در حمایت از نهضت‌ها اهداف بلندمدت بر اساس آرمان‌های اسلامی اتخاذ کرد و به صورت تدریجی و مرحله‌ای سیاست‌های نهضتی را پیش برد؛ زیرا اگر در زمینه تأمین منافع ملی موفق شویم، می‌توانیم در تأمین منافع منطقه‌ای و شکوفایی اقتصادی موفق باشیم و سرانجام می‌توانیم به حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش پردازیم (دهشیری، ۱۳۹۰)

اینکه بریلوی‌ها در چه شرایط و وضعیتی می‌توانند به جنبش اجتماعی و سیاسی تبدیل شوند، نیازمند شناخت دقیق مختصات و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بریلوی‌هاست. بدون شك بریلوی‌ها برای تبدیل شدن به يك جنبش فکری و اجتماعی نیاز به ایده و هدف مشخص، ساختار سیاسی معین و عملکرد سیاسی دارند. ایده اصلی بریلوی‌ها حمایت از اسلام میانه‌رو است و کمتر به دنبال خلافت اسلامی هستند. اینان از نظامی سیاسی‌ای در پاکستان حمایت می‌کنند که شاخصه‌های يك کشور اسلامی را داشته باشد که به طور مستقل و آزادانه و دور از فساد اداری و ارتشا فعالیت کند. جریان طاهر القادری به عنوان یکی از جریان‌های اصلی بریلوی‌ها هر چند از ایده ایجاد انقلاب شبیه انقلاب اسلامی ایران دم می‌زد و دارای ساختار حزبی یعنی تحریک عوامی پاکستان است، اما عملاً شرایط سیاسی و اجتماعی لازم برای ظهور جنبش اجتماعی مهیا نبوده و رهبری آن یعنی شخص طاهر قادری فرد مستقل و با برنامه‌ای نشان نداده است. به گفته برخی، طاهر قادری بیش از آنکه به دنبال انقلاب باشد، به نوعی عامل سرویس اطلاعات پاکستان برای تحت فشار قرار دادن نواز شریف نخست‌وزیر بود.

در واقع بریلوی‌ها به عنوان يك جنبش فکری و فرهنگی، هنوز به يك جنبش اجتماعی و سیاسی

تبدیل نشده‌اند و چارچوب‌ها و شاخص‌هایی که بتوان براساس آن يك جنبش فکری - فرهنگی را به يك جنبش اجتماعی و سیاسی تبدیل کرد، کمتر قابل شناسایی است. اما به نظر می‌رسد بریلوی‌های پاکستان، دارای ظرفیت نهضتی از جمله برای مقابله با جریان‌ات افراطی و تکفیری بوده و به لحاظ فکری و عقیدتی به اهل تشیع، نزدیک هستند، توجه به بریلوی‌ها و بکارگیری آنان در امور نهضتی در طولانی مدت دارای اهمیت و ضرورت است و به همین جهت شناخت ظرفیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای بریلوی‌ها و شکل‌های آنان، باید مورد توجه سیاست‌های نهضتی ایران قرار گیرد.

۲. مکتب بریلوی

مکتب بریلوی^۱ که رهبر آن احمد رضاخان بریلوی^۲ است، یکی از سه جریان مهم و تأثیرگذار در روند تحولات سیاسی پاکستان محسوب می‌شود. چنان که گفته شد، جریان‌های فکری بریلوی، دیوبندی، جماعت تبلیغی، اهل حدیثی‌ها و جریان مولانا ابوالاعلی مودودی، هر يك به نحوی ریشه در افکار علمای مسلمان هند در دوران تحت سلطه بریتانیا داشتند که عمدتاً به افکار شاه ولی‌الله مربوط می‌شد. اندیشه‌های اصلاحی شاه ولی‌الله منشأ پیدایش گرایش‌های متعدد و مختلف در شبه‌قاره شد. اما آنچه پایه واقعی اندیشه دینی شاه ولی‌الله را تشکیل می‌داد، نوعی سلفی‌گری یا بنیادگرایی شبیه وهابیت بود؛ با این حال نهضت شاه ولی‌الله، يك نهضت فکری- فرهنگی بود که اصلاح افکار دینی و خرافات‌زدایی را از زندگی جامعه مسلمانان هند، هدف

۱. خود بریلوی‌ها کلمه بریلوی را دوست ندارند، و اگر به بزرگان آنان گفته شود که شما بریلوی هستید، اعتراض می‌کنند و می‌گویند از اهل سنت و الجماعه یا حنفی هستند. سازمان‌ها و احزاب سیاسی نیز خودشان را بریلوی نمی‌دانند و می‌گویند که از اهل سنت و الجماعه هستند.

۲. احمد رضاخان بریلوی در شهر «بریلی» در ایالت اوتراپردش هندوستان در ۱۴ ژوئن ۱۸۶۵ برابر ۱۲۷۲ ق در خانواده‌ای علمی چشم به جهان گشود و به همین دلیل این طایفه به نام شهر امام‌شان شهرت یافته‌اند. پدر وی «نقی علی» و پدر بزرگش «رضا علی» از علمای مشهور حنفی در هندوستان به شمار می‌روند. وی متون درسی و علوم اسلامی را نزد پدرش، که از مخالفان وهابیان بود، آموخت و از طریق او معارف حوزه فرنگی محل (خاندانی از متکلمان و عرفای هند) را که قویاً متکی بر آثار فرهنگی ایرانیان بود، فراگرفت. مانند پدر، طریقت را از «سید آرسول حسینی مارهروی» (متوفی ۱۲۹۶ ق) - که اسناد حدیث از عبدالعزیز دهلوی داشت - اخذ کرد و اسناد حدیث را از «احمد زینی دحلان»، مفتی شافعیان در مکه که از مخالفان وهابیان بود، و اجازه سلسله قادریه را از «شیخ حسین بن صالح» (امام فرقه شافعیان در حجاز) اخذ کرد و در چهارده سالگی تحصیل خود را به اتمام رساند.

وی در سال ۱۲۹۵ هـ ق به زیارت مکه مکرّمه رفت و آنجا نزد میرزا غلام قادر بیگ، برادر بزرگ میرزا غلام احمد قادیانی و سید احمد دحلان مکی، شاگردی کرد و درس خواند. در ۲۲ سالگی به منصب افتاد دست یافت و بعد از اتمام دروس به تدریس و تألیف روی آورد و کتاب‌های زیادی نگاشت. «سید محمد محدث کچه‌چھوی» از شاگردان اوست. از مهم‌ترین کتب وی «الفتاوی الرضویة»، مجموعه فتاوی وی است که در هشت جلد به چاپ رسیده است.

اساسی خود قرار داده بود؛ اما پس از او، پسرش شاه عبدالعزیز (۱۷۴۶-۱۸۲۴) و نوه‌اش، شاه اسماعیل (۱۷۸۱-۱۸۳۱) آن را به جنبشی اجتماعی-سیاسی تبدیل کردند و علیه سلطه انگلستان موضع گرفتند.

بخش عمده‌ای از پیروان مکتب بریلوی از سلسله قادریه پیروی می‌کنند و بنابر نظر عزیز احمد، این سلسله فراگیرترین طریقه در شبه‌قاره هند در عصر حاضر است. از مهم‌ترین بزرگان سلسله قادریه در هند که مورد توجه بسیار بریلویه است، می‌توان از محمد میر یاد کرد که به «میان میر» مشهور است. میان میر وحدت وجودی و سخت تحت تأثیر ابن عربی است. طریقه قادریه با سعه صدر بیشتری با غیرمسلمانان رفتار می‌کنند. بریلویه نیز به دست احمدرضاخان بریلوی که پیرو «میان میر» است، در شبه‌قاره هند، ایالت اوتراپرادش در قرن نوزدهم بنیان‌گذاری شد. این گروه مواضع مخالفی علیه سیاست‌های انگلیس و همچنین وهابیت داشت (صادقی، ۱۳۹۵).

بریلوی‌ها مخالف ورود انگلیس به خاک هندوستان و خواهان شکست سلطه استعمارگری آنان و ایستادگی رهبر مسلمانان در مقابل سلطه‌گران بودند. این مکتب آمیزه‌ای از تسنن و تصوف است که وجه اخیر در آن نمایان‌تر است. مکتب بریلوی تا حدود زیادی بر آرای شیخ عبدالحق محدث دهلوی متکی است که در نوشته‌های احمدرضاخان به آثار او بسیار استناد می‌شود. این مکتب برای مقابله با آرای ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب و مروّجان هندی آثار وی، مانند شاه اسماعیل دهلوی، تأسیس شده است و مبادی آنها را به شدت تخطئه می‌کند. احمدرضاخان، ابن تیمیه را «ضال و مضل» و اسماعیل دهلوی را «طاغیه النجدیه» و کتاب او را «کفریات» می‌شمارد.

هم اکنون بریلوی‌ها خود را اهل سنت واقعی می‌دانند، اما سعه نظر دارند و فرقه‌های دیگر را کافر نمی‌دانند. آنها بیشترین نفوذ را بین غیرمسلمانان دارند و با فعالیت روزافزون خود و ایجاد گروه «دعوت اسلامی» که از گروه‌های میانه‌رو و معتدل به شمار می‌رود، در ترویج اسلام در همه کشورهای غیر اسلامی فعالیت می‌کنند. مکتب بریلوی تقریباً «انعطاف‌پذیر» است؛ آنها به زیارتگاه‌ها می‌روند و در فقه پیروی یکی از چهار امام ابوحنیفه، حنبل، شافعی و مالک هستند. البته اغلب آنان از امام حنیفه پیروی می‌کنند. نام بریلوی به امام احمدرضاخان بریلوی (۱۸۶۵-۱۹۲۱) نسبت داده می‌شود که در هند جنبشی را علیه تعالیم مکتب‌های وهابی-دیوبندی با موفقیت رهبری کرد (فارس نیوز، ۷ دی ۱۳۹۱).

بریلویان مدارس دینی پرشماری در هند و پاکستان دارند؛ از جمله دارالعلوم اشرفیه مبارکپور هند (تأسیس ۱۹۰۸/۱۳۲۶)؛ جامعه حبیبیه (تأسیس ۱۳۲۹ ش/۱۹۴۰) و دارالعلوم غریب نواز (تأسیس ۱۳۴۴ ش/۱۹۶۵) در الله‌آباد (ثبوت، ص ۹۶-۹۹)؛ جامعه نعیمیه در مرادآباد؛ جامعه رضویه منظرالاسلام در بریلی که احمدرضا در ۱۳۲۲ تأسیس کرده است (محمد مسعود احمد).



بریلویان در سال ۱۳۵۱ ش/ ۱۹۷۲ در پاکستان حدود ۱۲۴ مدرسه داشتند (حافظ نذر احمد و جاهای متعدد دیگر) و مراکز پژوهشی معروفی نیز در کراچی، لاهور، مبارکپور، منچستر و استانبول دارند. طی سال‌های اخیر، به ویژه پس از دهه ۱۹۸۰، جریان‌های فکری و مذهبی زیادی در پاکستان و هند بروز و ظهور یافتند. در حوزه سیاسی، عمده تلاشی که برای سازماندهی بریلوی‌های پاکستان انجام گرفت در چارچوب حزب «جمعیت علمای پاکستان» به رهبری شاه احمد نورانی بود. اگرچه وی توانست از زمان نخست‌وزیری ذوالفقارعلی بوتو نقش فعالی در صحنه سیاسی این کشور ایفا کند، اما پس از درگذشت وی، بریلوی‌های پاکستان دچار پراکندگی و انزوا شدند و برخی رهبران فرصت‌طلب گروه‌های جداگانه‌ای تشکیل دادند که نمونه آن «حزب سنی تحریک» است (عارفی، ۱۳۸۲: ۱۴۳). هرچند این گروه در انتخابات پارلمانی اخیر، به ویژه در کراچی، فعالیت‌های چشم‌گیری داشت، اما هیچ‌یک از گروه‌های بریلوی موفقیتی در انتخابات ۱۳۹۲ به دست نیاوردند. علاوه بر این صاحبزاده فضل کریم، از رهبران فعال بریلوی، چند روز قبل از انتخابات اخیر درگذشت که تأثیر مستقیمی بر تضعیف نقش بریلوی‌ها در انتخابات اخیر داشت. در حال حاضر احزاب جمعیت علمای پاکستان، تحریک سنی و شورای اتحاد سنی نماینده بریلوی‌ها هستند.

قسمت زیادی از جمعیت بریلوی متعلق به ایالت پنجاب و سپس سند پاکستان هستند که پرجمعیت‌ترین ایالت‌های این کشور محسوب می‌شوند. در مقابل پیروان دیوبندی بیشتر از قسمت کمربندی «پشتو» مانند نواحی قبیله‌ای و ایالت «خیبر پختونخواه» هستند و دلیل ستیزه‌جویی در نواحی قبیله‌ای نیز همین است. تعلق بیشتر جمعیت پشتون‌های کشور به فرقه دیوبندی بی‌علت نیست (فرزین‌نیا، ۱۳۷۶: ۲۵).

۲-۱. فقه و مبانی اعتقادی بریلوی‌ها

قبل از پرداختن به مبانی اعتقادی بریلوی‌ها باید درباره شاخصه‌های کلی اعتقادی آنها مطالبی بیان کرد. بریلوی‌ها مانند دیوبندی‌ها حنفی هستند؛ اما تعارض‌های فقهی جدی نیز با آنها دارند که می‌توان در رسائل احمد رضاخان این تعارضات را مشاهده کرد. گاهی در برابر فتوای یک دیوبند، مقاله‌ای از بریلوی‌ها به چاپ می‌رسد که در پاسخ به همین مسائل است. مشکلات فقهی مانع از بروز اختلافات کلامی آنها نشده است. بریلوی‌ها ماتریدی هستند. ویژگی ماتریدی‌ها این است که به حسن و قبح عقلی افعال و عینیت ذات و صفات الهی اعتقاد دارند و در مسلک و فرقه صوفیانه خود مانند قادری‌ها هستند. اگرچه چشتی‌ها در گذشته در اکثریت بودند، ولی بعدها قادری‌ها غلبه کردند. اکنون دعوی میان فقها و متکلمین در صوفیه، کمتر بروز و ظهور دارد و آنان اهل تساهل

هستند. اینجا نقطه اختلاف جدی آنها با دیوبندی‌هاست؛ گرچه دیوبندی‌ها نیز خصوصیت نیمه تصوفی دارند، اما آنچه باعث ایجاد نقطه افتراق جدی میان این دو گروه شده، مصادیق صوفی‌گری است. ما از این امر در پاکستان غافل شدیم، اما ترکیه با زیرکی به عنوان پایتخت تصوف جهان از آنها استفاده کرده است (صادقی، ۱۳۹۵).

مهم‌ترین عقاید آنها در باب صفات و رابطه آنها با ذات این است که صفات نه عین ذات هستند و نه غیر ذات و معتقدند که خداوند متصف به تمام صفات کمال است. آنان مقام پیامبر (ص) را بسیار بلند می‌دانند و بر این باورند که نور پیامبر (ص) قبل از تمام خلائق خلق شده و علمش علم ماکان و مایکون است و پیامبر (ص) نسبت به تمام چیزها و در تمام مکان‌ها علم غیب دارد. از دید بریلوی‌ها، همه عالم برای وجود پیامبر (ص) به وجود آمده است و ایشان می‌تواند هر کاری در عالم بکند. استغاثه و استعانت از ایشان و سایر اولیای الهی جایز است، زیرا پیامبر (ص) بلاها را دفع و نعمت‌ها را عطا می‌کند. قبر ساختن و نذر کردن برای آنها و زیارت و بزرگداشت آنها جایز است و هیچ‌یک حرام و بدعت نیست (<http://sozimihrab.org>)^۱.

بریلوی‌ها در باب خلافت قائل به دو نوع خلافت هستند: خلافت ظاهری که ابوبکر خلیفه اول است و خلافت باطنی که حضرت علی (ع) امام اول است. آنها انمه شیعه از امام علی (ع) تا امام حسن عسکری (ع) را غوث‌های عالم می‌دانند. بریلویه برای اهل بیت پیامبر (ص) احترام بسیار قائل‌اند و درباره آنها فضایل و مناقب بسیاری نقل کرده‌اند؛ به خصوص اصحاب کسا نزد ایشان از احترام خاصی برخوردارند. آنها به مهدویت نیز اعتقاد راسخ دارند (رضوی، ۱۳۸۹).

برخی از اعتقادات بریلوی‌ها در مقایسه با سایر فرقه‌ها عبارت‌اند از:^۲
 عقیده نور و بشر: در اعتقاد بریلوی، پیامبر (ص) افضل من البشر است و وجود مقدس آن حضرت را نور می‌دانند؛ زیرا پیامبر اکرم (ص) در سؤال فرموده‌اند: «ان الله تعالی قد خلق قبل الاشیاء نور و نبيک من نوره»؛ اما دیوبندی‌ها ایشان را انسانی همچون انسان‌های عادی می‌دانند.
 نقی احمدیارخان نعیمی درباره عقیده بشریت پیامبر اکرم (ص) با استدلال به آیه‌های ۴۵ و ۴۶

۱. از دید مخالفین مکتب بریلوی، آنها از حیث اصل در زمره اهل سنت و ملتزم به مذهب ابوحنیفه هستند، اما عقاید خویش را با عقاید دیگری مخلوط کرده‌اند که آن عقاید مأخوذ از نصرانیت است؛ مثل جشن گرفتن روز ولادت پیامبر (ص) که به تأسی از جشن‌هایی است که در اول سال میلادی از طرف نصرانی‌ها برگزار می‌شود. همچنین مکتب بریلویه شخصیت پیامبر (ص) را بالا می‌برد تا با خرافاتی که به شخصیت عیسی مسیح نسبت داده شده است، برابر شود. بریلوی‌ها به دلیل زندگی در هند و وجود ادیان مختلف در این کشور، از عقاید هندوها و بودایی‌ها تأثیر پذیرفته‌اند و برخی عقاید اسلامی را با عقاید آنان خلط کرده‌اند (اسماعیل امینی، «بریلوی یکی از فرقه‌های گمراه اهل سنت!»).

۲. بخش اعتقادات بریلوی‌ها در مقایسه با سایر رقبا، اطلاعات دریافتی از مرتبیین ما در این حوزه است.

سوره احزاب از جزء ۲۳ و آیه ۶ سوره فصلت از جزء ۲۶ قرآن می‌گوید: قرآن در کنار بیان «قل انما انا بشر مثلکم» (ای پیامبر، بگو من هم مثل شما یک بشر هستم) در جایی درباره شأن پیامبر می‌فرماید: «شاهدا و مبشرا و نذیرا و داعیا الی الله باذنه و سراجا منیرا» و با اشاره به خطاب‌هایی همچون «یا ایها المزممل»، «یا ایها المدثر» و غیره می‌فرماید: ای پیامبر، ما جایگاه و شوکت شما را افزایش خواهیم داد.

عقیده شاهد و ناظر: بریلوی معتقد است پیامبر اکرم (ص) در این دنیا، عالم غیب را مشاهده کردند و از آن اطلاع داشتند و بعد از وفات‌شان هم از همه جریان‌های صلوا و سلام آگاهند. در این زمینه به این آیه استدلال می‌کنند: «یا ایها النبی انا ارسلناک شاهدا». علمای این تفکر اظهار می‌دارند که پیامبر اکرم (ص) قبل از رسیدن مرگ حضرت زید، حضرت جعفر و حضرت ابن رواج، خبر فوت آنها را به مردم داد و سپس فرمود: الان پرچم در دست حضرت زید است و او به شهادت رسید و حتی سیف‌الله یعنی خالد بن ولید، پرچم را در دست گرفت و خداوند متعال به ایشان پیروزی عنایت فرموده است.

عقیده توسل: بریلوی نه تنها توسل به ذات گرامی پیامبر اکرم (ص)، بلکه توسل به متعلقات مادی ایشان مانند موی سر و نعلین شریفین را نیز قبول دارند و این امر را کاملا شرعی می‌دانند. احادیث مبارکه و نظر صحابه کرام و بزرگان دین نیز این موضوع را ثابت کرده‌اند که توسل به رسول‌الله (ص) و اهل بیت اطهار (ع) و بزرگان دین کاملا مشروع است و در این موضوع (توسل)، صحابه کرام و اهل سنت و الجماعت، عقیده مشابهی دارند و به طور کلی روش بزرگان همین بوده است که در هر مشکلی به پیامبر (ص) توسل می‌جسته‌اند.

اعتقاد به ذکر یا رسول‌الله: برای اولیاء‌الله دور و نزدیک یکسان است. وقتی اینان دور و نزدیک را می‌توانند مشاهده کنند، در آن صورت صداهای دور و نزدیک را نیز می‌شنوند. آیا این شرک است؟ این صفت از سوی خداوند متعال به آنها عنایت شده است. اولیاء‌الله صداهای دور را می‌شنوند. انبیای کرام با نیرو و قدرت خدادادی می‌توانند صدای هر کس را بشنوند؛ پس این صدای یا رسول‌الله چگونه شرک است!؟

ندای حضرت زینب (سلام‌الله علیها): یا جدا یا رسول‌الله (ص)، این حسین (ع) است که در میان دشمنان در خون افتاده، اعضای بدنش قطعه‌قطعه شده است، دخترانش به اسارت گرفته شده‌اند، فرزندان‌تان به شهادت رسیده‌اند و باد روی آنان غبار نشانده است یا محمد، یا محمد.

تصوف: بریلوی‌ها معتقدند آغاز تصوف از ذات پیامبر اکرم (ص) ظهور کرده است. ایشان بیشتر اوقات خارج از شهر مکه به غار حرا تشریف می‌بردند و در آنجا درباره وجود خداوند متعال به تفکر و عبادت مشغول بودند و روزها در غار حرا اقامت می‌کردند و با سایر امور دنیوی هیچ‌گونه

ارتباطی نداشتند و در همان مکان (غار حرا) نزول وحی بر ایشان صورت می‌گرفت.

علاوه بر این، در ذات مبارکه صحابه کرام نیز رنگ تصوف آشکار بوده است. بیشتر صحابه کرام در تپه‌ای به نام «صفه»، نزدیک مسجدالنبی، مدت زیادی اقامت داشتند. تعداد این صحابه به ۷۰۰ تن می‌رسید. آنها از همنشینی با پیامبر اکرم (ص) استفاده می‌بردند و مشغول یادگیری علوم دینی بودند و گرفتاری‌های دنیوی و امور دیگر زندگی را ترک کرده بودند و حتی بعضی از آنها از امور خانوادگی نیز دوری می‌کردند. این صحابه به علت نشستن روی تپه «صفه» به اصحاب صفه معروف شدند و بعدها همین امر را تصوف نامیده‌اند.

بعد از صحابه کرام، در تابعین و سپس تبع تابعین عنصر تصوف واضح بوده است. در این جرگه نام اوئیس قرنی و حسن بصری بسیار روشن است که آنها بزرگان معروف و از تابعین بنام بودند که مستقیم از اصحاب رسول (ص) کسب فیض کردند. بعدها همین سلسله طولانی تصوف در سراسر جهان اسلام گسترش یافت و بریلوی‌ها به این مرام اعتقاد و محبت زیادی دارند.

زیارات و مزارها: بریلوی‌ها معتقدند پیامبر اکرم (ص)، اولیا و بزرگان دین پس از مرگ نورانیت‌شان باقی می‌ماند و مردم می‌توانند از این مزارها کسب فیض کنند و بهره‌های معنوی ببرند و حوایج‌شان را با ایشان در میان بگذارند و پاسخ بگیرند که از میان این مزارهای منور، ضریح پیامبر اکرم (ص)، حضرت ابوبکر صدیق و عمر (رض) داخل مسجد نبوی (در مدینه منوره) در درجات اولاست و علاوه بر این، مزارهای دیگری از بزرگان دین در سوریه، ترکیه، هند و پاکستان قرار دارند که در هند مزار خواجه نظام‌الدین اولیا، خواجه معین‌الدین چشتی اجمری و شیخ عبدالقادر گیلانی و در پاکستان حضرت داتا گنج بخش لاهور و سخی شه بخش قلندر سند معروف‌ترند.

عید میلاد النبوی (ص): در اعتقاد بریلوی ربیع‌الاول اهمیت ویژه‌ای دارد. در محله‌های مختلف، خانه‌ها، اماکن مقدس، مساجد و محافل، به مناسبت ولادت با سعادت پیامبر اکرم (ص) سخنرانان به نعت و منقبت می‌پردازند. در شهرهای مختلف پاکستان شامل کراچی، لاهور، اسلام‌آباد و پیشاور، راهپیمایی‌ها و جشن‌هایی از طرف انجمن‌های مذهبی تفکر بریلوی برگزار می‌شود. از سوی همین انجمن‌ها (بریلوی) از اماکن مقدس، بازدید و برنامه‌های درود و سلام برپا و چراغانی می‌شود.

محافل نعت، درود و سلام: در تفکر بریلوی برگزاری مراسم نعت و منقبت یک ارتباط نزدیک و نوعی ابراز محبت و عشق به ذات مقدس پیامبر اکرم (ص) دانسته می‌شود. این‌گونه محافل در ماه‌های دیگر سال نیز برگزار می‌شود، اما در ربیع‌الاول مراسم ویژه برگزار می‌شود. شعرا و نعت‌خوانان به ویژه در بارگاه مقدس پیامبر اکرم (ص) ابراز محبت و عقیده می‌کنند و هر جمعه ربیع‌الاول مجالس درود و سلام برگزار می‌شود و این از قرن‌ها در اهل تسنن و الجماعت مرسوم



بوده و علمای امت آن را ثواب قلمداد می‌کنند؛ اما گروه‌های جدید شامل وهابی‌ها، دیوبندی‌ها، سلفی‌ها و غیره برگزاری مراسم مذکور را بدعت می‌دانند.

شرک و توحید: براساس تفکر بریلوی، غلو و مبالغه در وصف یا ستایش زندگانی پیامبر اکرم (ص)، احترام به ذات مقدس ایشان است و موجب سعادت انسان می‌شود و آن را شرک نمی‌دانند. در قرآن مجید در سوره اخلاص به سه نوع شرک اشاره شده که در غیر آن شرک نیست و آن سه عبارت‌اند از:

۱. مخلوقی را خالق دانستن یا کسی را حاکم بر خداوند متعال دانستن؛
 ۲. کسی را فرزند خداوند متعال تلقی کردن یا خداوند را فرزند کسی دانستن؛
 ۳. صفت ازلی را برای کسی قائل شدن یا قرار دادن یک صفت خداوند متعال به انسان.
- بنابراین اگر میزان مبالغه کمتر از ذات خداوند متعال باشد، شرک نیست. با توجه به این سه شرط، ستایش، وصف ادب و تعظیم فوق‌العاده ذات پیامبر اکرم (ص) که یکسان یا بیشتر از خداوند نیست، در تفکر بریلوی شرکت محسوب نمی‌شود.

بدعت: براساس تفکر بریلوی، بدعت دو نوع است: یکی «بدعت خوب یا حسنه» یعنی احسن و دیگری «بدعت غیرحسن یا بد». در حدیث نبوی بیان شده است: «من سن فی الاسلام سنه حسنت فعل بها بعده کتب له مثل اجر من عمل بها بعده کتب علیه مثل وزر من عمل بها و لا ینقص من اوزارهم شیئی»: «کسی که در اسلام یک کار خوب ترویج و سپس آن را رعایت می‌کند، افرادی که آن را اجرا می‌کنند، به همان اندازه به آنها پاداش و اجر داده می‌شود که به رایج‌کننده آن داده می‌شود و از اجر عمل‌کنندگان نیز کاسته نخواهد شد. کسی که در اسلام کار بدی را طرح کند و بعداً مردم آن را دنبال کنند، همه آن گناهان به طراحان آن نیز خواهد رسید و از گناه پیروان آن نیز کاسته نخواهد شد».

براساس این حدیث، در تفکر بریلوی، یک فعل خوب که در دین مغایر مبانی اساسی شریعت نباشد، نه تنها مشروع بلکه فعلی مستحب است؛ همان‌طور که حضرت عمر فاروق در رمضان المبارک نماز تراویح به جماعت را آغاز کرد و گفت: «نعم البدعت هذا»؛ یعنی این یک بدعت خوب است.

افعال بسیاری مانند نمونه یادشده را که در حیات طیبه پیامبر اکرم (ص) وجود نداشت و در زمان اصحاب او یا بعد از آنها در امت اسلام رایج شده‌اند، بدعت می‌نامند. برای مثال در خلافت حضرت ابوبکر صدیق قرآن به صورت یک کتاب جمع‌آوری شد و پس از آن در دوران حجاج بن یوسف اعراب‌گذاری قرآن صورت گرفت. فقه، نحو، عید میلاد النبی، درود و سلام، ایمان مفصل، ایمان مجمل، شش کلمه مناره، گنبد و محراب در مساجد، تصوف، طریقت، معرفت، سوم،

چهلیم، ختم، جشنواره‌های دینی، یازدهم شریف و غیره افعالی هستند که در امت، بعدها اجرا شده‌اند و به دلیل مغایرت نداشتن با حکم شرعی، این افعال با توجه به حدیث نبوی در ردیف بدعت حسنه محسوب می‌شوند.

تقلید: تقلید در دیدگاه بریلوی بر دو نوع است: تقلید شرعی و تقلید غیر شرعی. تقلید شرعی همان پیروی از احکام شرعی مثل روزه، نماز، حج، زکات و غیره است که در این مسائل باید از ائمه دین اطاعت کرد و تقلید غیر شرعی دنباله روی دنیاست، اما صوفیان کرام در وظایف، از قول و عمل مشایخ خود تقلید می‌کنند که به آن می‌توان تقلید دینی گفت اما تقلید شرعی نیست، بلکه تقلید فی الطریقت (تقلید از راه و روش بزرگان) است؛ بنابراین اگر تقلید علیه شریعت باشد، حرام و اگر علیه اسلام نباشد، مشروع است. یک حدیث برای تأیید این موضوع ارائه می‌شود.

در باب اول کتاب الاماره مشکواه آمده است: «کسی که فوت کند و از هیچ کس بیعت نکرده باشد، در جهالت فوت کرده است». این بیعت به معنی تقلید از امام و اولیاست. بشر در جهان هیچ عملی را بدون تقلید و پیروی از دیگران انجام نمی‌دهد. خلاصه اینکه بشر در هر عمل مقلد است. نباید فراموش کنیم که در همه این موارد، تقلید شخصی وجود دارد و هیچ کس از دو نفر تقلید نمی‌کند. اعلی حضرت احمد رضا خان بریلوی نیز از شیخ عبدالقادر گیلانی پیروی می‌کند و خود را قادری می‌نامد.

عقیده علم غیب: نقی احمد یار خان نعیمی در کتاب جاء الحق می‌نویسد: خداوند متعال بخشی از علوم غیبی را به حضرت محمد (ص) و انبیای دیگر عنایت فرمود؛ به همین علت علم و دانش پیامبر اکرم (ص) از تمام مخلوقین بیشتر است. حضرت آدم (ع) و حضرت خلیل (ع)، ملک الموت و شیطان نیز جزء مخلوقین هستند. وی در این زمینه آورده است:

۱. اولیای کرام از طریق انبیا برخی به علوم غیبی رسیده‌اند.
۲. خداوند متعال به پیامبر (ص) علم و دانش بیش از پنج علم غیب آموخته و هر کس آن را رد کند، منحرف، گمراه و بدمذهب است؛ زیرا در این موارد صدها حدیث را رد می‌کند.
۳. خداوند متعال کل اتفاقات گذشته و آینده را در لوحی محفوظ قرار داده و از آن و بلکه بیشتر از آن علوم به ایشان عطا کرده است.

۴. به پیامبر اکرم (ص) کلیه مشابهاات قرآن و واقعیت روح داده شده است و رد هر یک از باورهای فوق کفر است.

عقیده کمک خواستن از غیر خدا: کمک خواستن از غیر خدا طبق نظر بریلوی مشروع است به شرطی که پیروان این عقیده در نظر داشته باشند که کمک واقعی فقط از طرف خداوند متعال است. از طرف دیگر در حاشیه مشکواه شریف و در باب «زیارت القبور» آمده است: «غیر از نبی (ص) و

انبیای دیگر کمک خواستن از سایر اهل قبور را بیشتر فقها رد کرده، اما تعدادی از فقها و صوفیان کرام و مشایخ آن را تأیید کرده‌اند.

امام شافعی می‌فرماید: مزار حضرت امام موسی کاظم (ع) برای استجابت دعا، تریاقی آزموده است. امام غزالی: اگر می‌توان از کسی در زندگی کمک خواست، بعد از فوت او نیز می‌توان کمک خواست. پس از این امر ثابت شده است که بین کمک خواستن از پیامبر اکرم (ص) و سایر انبیای کرام هیچ‌گونه اختلافی وجود ندارد و صوفیان و فقهای اهل تحقیق آن را مشروع اعلام کرده‌اند. فاتحه و مستحبات برای اموات: بین بریلوی‌ها فاتحه، روز سوم، دهم و چهلم برگزار می‌شود. بریلوی این اقدامات را مستحب می‌داند. فاتحه تنها قرائت قرآن است که عبادتی معنوی است و صدقه نیز عملی مستحب محسوب می‌شود.

دیوبندی‌ها با اعمالی نظیر دعا کردن بعد از نماز میت، نهادن گل بر سر مزار، پهن کردن چادر پارچه‌ای و چراغانی کردن آن (چراغانی بر سر قبور اولیاءالله را نیز به این دلیل انجام می‌دهند که عظمت صاحب مزار را ابراز کنند) مخالف هستند؛ اما بریلوی‌ها معتقدند که چراغانی کردن در موارد ضروری، برای مثال در طول تدفین، هنگام شب و غیره مشروع است؛ اذان دادن بعد از به خاک سپردن میت مسلمان که از نظر اهل سنت مشروع است؛ برگزار کردن جشن سالگرد بزرگان دین و اولیاءالله، مسافرت برای زیارت قبور که مشروع و مستحب است؛ ذکر با صدای بلند که مشروع و بلکه در بعضی مواقع لازم است. برای فهم بهتر تفاوت‌های مکتب بریلوی با دیوبندی بطور مختصر به عقاید دیوبندیه و ویژگی‌های آن نیز اشاره می‌شود.

۲-۳. عقاید دیوبندیه و ویژگی‌های آن

بسیاری از جنبش‌ها و حرکت‌های مسلمانان هند در دوران استعمار انگلیس، ریشه در حرکت اصلاح طلبانه و احیاگرانه شاه ولی الله دهلوی دارد که هم زمان با آغاز سقوط قدرت سیاسی مسلمانان در هندوستان ظهور کرد (عزیز احمد، ۱۳۶۷: ۱۶-۱۵). پس از آنکه انگلیسی‌ها قیام مردم هند را که متأثر از حرکت پیروان شاه ولی الله بود، در ۱۲۷۳ (۱۸۵۷م) سرکوب کردند، اغلب علمای مسلمان از مبارزه مستقیم با استعمار دست کشیدند و به رفع انحطاط داخلی پرداختند؛ از جمله محمد قاسم نانوتوی مکتب مذهبی دئوبند را در ۱۲۸۴ تأسیس کرد و به دنبال آن، شبکه‌ای از مدارس مذهبی زیر نظر علمای این مکتب در بسیاری از مناطق هندوستان به وجود آمد (موتقی، ۱۳۷۸: ۲۱۴-۱۸۹).

دارالعلمای دیوبند در شهر دیوبند در حدود ۹۰ مایلی شمال شرقی دهلی، در ۱۲۸۴ق/۱۸۶۷ بنیان گذاشته شد. نخستین گام، انتقال علوم مذهبی به ویژه «درس نظامی» بود که از علمای فرنگی محل ساکن لکهنو الگوبرداری شده بود و با بهره‌گیری از روش‌های سازمانی بر گرفته از

آموزشگاه‌های بریتانیا انجام می‌گرفت. هدف این مؤسسه حفظ تعالیم دینی در دوران حکومت غیراسلامی و ایجاد تغییر معتدبه اجتماعی با پایبند ساختن مسلمانان به انجام صحیح و مطلوب و فرائض دینی بود؛ اساسی‌ترین بخش این هدف، ایجاد طبقه‌ای از علما بود که از آموزش‌های رسمی و حمایت‌های مردمی برخوردار بودند.

دیوبندیان در مقام امام، ولی و متولی مساجد و آرامگاه‌ها، واعظ، نویسنده و ناشر آثار مذهبی انجام وظیفه می‌کردند. برخی به مناظرات عمومی که در پاسخ به نخستین اقدامات مبلغان مسیحی در قرن سیزدهم/نوزدهم آغاز شد، پیوستند. بسیاری برای مشاوره و ارشاد دینی در موضوعات شرعی، جدای از نهادهای حکومتی، فتوایی دادند. بسیاری مدرس بودند. در میان نامدارترین دانش‌آموختگان نخستین این مدرسه، نویسنده پرکار و مرشد مقدس، مولانا اشرف علی تھانوی (۱۸۶۴-۱۹۴۳م/۱۲۴۳-۱۳۲۲ش)، بود. کتاب وی، بهشتی زیور، که در اوایل قرن جدید برای ارشاد دختران مسلمان تألیف شد، وسیعاً به زبان اردو و به بسیاری از زبان‌های محلی ترجمه و منتشر شد.

دیوبندیان که در ابتدا فعالیت سیاسی نداشتند، در دوره پیش از جنگ جهانی اول، فعالیت سیاسی را به طور انفرادی شروع کردند و وقتی جنبش ملی‌گرایی قدرت گرفت، بسیاری از دیوبندیان در سازماندهی جمعیت العلمای هند در ۱۹۱۹م/۱۲۹۸ش نقش داشتند. این جنبش با حزب کنگره همراه شد، اما استقلال خود را کاملاً در نظر داشت، تا آنجا که به تشکیل اتحادیه جوامع مذهبی، با فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشترک اندک، منجر شد. وقتی دستیابی به استقلال نزدیک شد، بیشتر دیوبندیان با تقسیم هند مخالفت کردند و پاکستان را ساخته نیروهای غرب‌گرا و عاملی برای بازداشت نفوذ مسلمانان دانستند. تنها اقلیتی از دیوبندیان، از جمله مفتی محمد شفیع، مولانا احتشام الحق تھانوی و مولانا عبدالحمید بداونی (متوفی ۱۹۶۹م/۱۳۴۸ش)، به رهبری مولانا شبیر احمد عثمانی (۱۸۷۷-۱۹۴۹م/۱۲۵۶-۱۳۲۸ش)، از خواست مسلم لیگ برای ایجاد پاکستان حمایت کردند؛ آنان در ۱۹۴۵م/۱۲۳۴ش در کلکته جمعیت العلمای اسلام را تأسیس کردند که به عنوان حزب سیاسی در پاکستان به فعالیت خود ادامه داد (اسپوزیتو، ۱۳۸۸).

از دیوبندیه، با فقه حنفی، کلام ماتریدی - اشعری، تصوف چشتی - نقشبندی، همراه با اصلاحاتی از سوی سرهندی، شاه ولی الله دهلوی، شاه عبدالعزیز دهلوی و شاه اسماعیل دهلوی، و با داشتن هزاران عالم که هر کدام گرایش فکری خاصی دارند و هرکس علاقه ویژه‌ای به رشته‌ای از علوم اسلامی دارد، یقیناً نمی‌تواند انتظار مثنی خاصی داشت، ولی می‌تواند بعضی از اعتقادات ایشان را که از فکر حنفی - ماتریدی - صوفی نشأت می‌گیرد، عقاید همه آنان دانست، که در اینجا به بیان آنها می‌پردازیم:

۱- وحدت وجود: وحدت وجود که به وسیله ابن عربی تبیین فلسفی شد، نزد بسیاری از طرق صوفیه



پذیرفته شده است. شیخ امداد الله مکی به عنوان استاد مولانا قاسم نانوتوی و شیخ رشید احمد گنگوهی وحدت وجود را قبول داشته و آن را از فیوضات ابن عربی می داند .

۲. آداب صوفیان: یکی از اعمال صوفیان این است که سالک هنگامی که مشغول ذکر می شود، باید در جای آرام، تمرکز حواس پیدا کرده و شیخ بزرگ طریقه یا مرشد خود را در ذهنش تصور نماید و همراه با آن تصور به ذکر او بپردازد تا تصور شیخ در ذهنش ملکه شود و احساس کند شیخ همیشه ناظر اوست. به گفته شیخ احمد گنگوهی، صورت شیخ امداد الله به مدت سه سال در قلبم جای داشت و تمام کارهایم را به اذن او انجام می دادم و بعد از آن صورت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در قلبم بود و اعمال را بدون اذن پیامبر انجام نمی دادم.

۳. در باب زیارت: کتاب «المهند علی المفند» جواب بیست و شش سؤال درباره مسائل مطرح بین وهابیت، دیوبندیه و بریلویه است که به تأیید حدود ۵۰ نفر از علمای دیوبند رسیده و از اعتبار خاصی برخوردار است. اولین سؤال این است که آیا سفر برای زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جایز است یا نه؟ و آیا نیت آن باید سفر برای زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد یا برای رفتن به مسجد النبی؟ در پاسخ به این سوال مولانا خلیل احمد سهارنپوری این گونه جواب می دهد که نظر علمای حنفی و مسلک اشعری، ماتریدی و طرق صوفیه این است که زیارت قبر پیامبر (ص) از بزرگترین اعمالی است که انسان را به خدا نزدیک می کند (شفیعی، ۱۳۹۲).

۴. در باب توسلات: سهارنپوری در باب توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اولیاء می نویسد: نزد مشایخ ما توسل به انبیاء و اولیاء جایز، و بیان جمله «اللهم انی اتوسل الیک بفلان»، نزد شاه محمد اسحاق دهلوی، شیخ امداد الله و شیخ رشید احمد، صحیح است و ایرادی بر آن وارد نیست.

۵. صفات الهی: دیوبندیه در صفات خبری و غیر آن می گویند که «ما به آیات قرآن ایمان داریم، اما کیفیت بعضی از صفات هم چون «الرحمن علی العرض استوی، و یدالله فوق أیدیهم» را نمی دانیم. خداوند را منزله از صفات مخلوقین دانسته و نقص و حدودی برای وی قائل نیستیم، و به تاویلاتی هم چون ید به معنای قدرت، استواء به معنای استیلاء برای تقریب اذهان قاصرین ایرادی وارد نمی دانیم.» از دید سهارنپوری اگر چه دیوبندیان ماتریدی مذهب اند، اما رویکرد آنها به اشاعره بیشتر است؛ مثلاً در بحث اینکه آیا از خدا کذب صادر می شود، رویکردی اشعری دارند و با حسن و قبح شرعی به مسئله جواب داده اند، حال آنکه حسن و قبح شرعی دیدگاه اشاعره، و حسن و قبح عقلی دیدگاه ماتریدی است.

۶. مقام پیامبر: دیوبندیه قائل به افضلیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به تمیام خلاق اند و هیچ کس را در مقام قرب الهی همپایه پیامبر نمی دانند، و قائل به حیات پیامبر (صلی

اللہ علیہ و آلہ و سلم) در بعد از مرگ و در قبراند و آن را حیاتی دنیوی می دانند، نه برزخی. دیوبندی در مقابل وهابیت که شأن و علم بالایی برای پیامبر قائل نیستند، معتقدند ایشان اشرف مخلوقات اند و علم به اسرار خفیه ذات و صفات الهی و آنچه در سرادقات است دارند و قائل اند نه ملک مقرب و نه نبی مرسل - لا ملک مقرب و لا نبی مرسل - به مقام او نمی رسد، و اینکه بعضی ها گفته اند ابلیس از پیامبر عالم تر است، کفر است. شیخ اشرف علی تھانوی در رساله حفظ الایمان گفته است: اگر چه پیامبر اعلم الخلائق است، ولی لفظ عالم الغیب جایز نیست برای پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) استعمال شود؛ چرا که موهم شرک است، و قرآن فرموده که غیر از خدا عالم الغیب نیست، اما این دلیل نمی شود که پیامبر از غیب خبر نداشته باشد.

۷. اجتهاد و تقلید: مولانا خلیل احمد سہارنپوری تقلید از يك ائمہ از اربعہ اہل سنت را واجب دانستہ و اجتهاد در این زمان را باعث افتادن در زندقہ و الحاد اعلام کردہ است. اما در دیدگاہ وهابیت و شاه ولی اللہ دہلوی و همچنین اہل حدیث - سازمان جماعہ التبلیغ - قائل بہ اجتهادند و تقلید را نمی پذیرند.

۸. بزرگداشت موالید: سہارنپوری از اساتید خود نقل می کند کہ ذکر تولد پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) را جایز و مستحب دانستہ اند، بہ شرط آنکہ منجر بہ اعمال خلاف شرع نشود و مخالف سیرہ سلف نباشد. اینکہ برخی بزرگان دیوبندی از بزرگداشت بعضی موالید جلوگیری می کردند، بہ خاطر منکراتی بود کہ در آنها انجام می شد؛ مثل ذکر روایات موضوعہ، اختلاط زن و مرد، اسراف در تزئینات، و تکفیر و سب و لعن ہر کس کہ در آن مجالس شرکت نکند؛ ولی اگر مجالس خالی از منکرات باشد هیچ کس مخالف ذکر تولد پیامبر و امثال آن نیست. اما دیوبندیہ با طواف دور قبر، سجدہ تعظیم در وقت ورود بہ زیارتگاہ بزرگان و اولیاء، سجدہ در جلوی مرشد، مراسم تعزیہ شیعیان ہندوستان، اعتقاد بہ قدم روح پیامبر از عیالم ارواح بہ عالم شہادت در زمان مجالس بزرگداشت میلاد پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) مخالفت کردہ و آنها را بدعت در دین معرفی می نمایند (فرمانیان، ۱۳۸۸).

۳. طبقہ پیشرو اجتماعی فعال در میان بریلوی ها

جمعی از لایہ های اجتماعی، افراد و گروہ های بریلوی در شرایط اجتماعی تقریباً مشابهی بہ سر می برند. نفوذ گرایش های بریلوی اغلب در بافت سنتی جامعہ پاکستان بیشتر است و بہ همین دلیل در ایالت سند و مناطق روستایی و شہرہای کوچک آن گرایش های بریلوی زیاد دیدہ می شود. افراد زیادی در شہرہای کوچک تر پنجاب ہم گرایش های بریلوی دارند. دربارہ طبقہ نخبگان می توانیم مشایخ، علما و مدرسان مدارس دینی و استادان دانشگاه را بہ عنوان کلیت طبقہ نخبگان بریلوی در

نظر بگیریم. با توجه به تحولات سال‌های اخیر در پاکستان که طاهر القادری مسبب آن بوده است و حمایت‌هایی که از این جریان شد، به نظر می‌رسد که این جریان به خودآگاهی لازم رسیده است و انگیزه و توان ایجاد جنبش اجتماعی در این جریان وجود دارد؛ اما در حوزه طبقات پایین‌تر مانند خرده مالکان و روستاییان که اغلب بافت سنتی را شامل می‌شوند، شاید خودآگاهی لازم وجود نداشته باشد و این طیف به عنوان بدنه اجتماعی بریلوی، آمادگی و کیفیت لازم را برای ایجاد جنبش اجتماعی گسترده و عمیق ندارد. باید روی بحث نخبگان تأکید و به طرق مختلف در بدنه اجتماعی تغییراتی ایجاد؛ سپس نوعی آگاهی و بیداری به آنها تزریق کرد (جمالی، ۱۳۹۵)

شاخصه مهم بریلوی‌ها صوفی بودن است که آنها را از دیوبندی‌ها و وهابی‌ها متمایز می‌سازد. دشمنی آنها با وهابیت و آل‌سعود خیلی جدی است و آنها را با عنوان طاغیان اهل نجد می‌شناسند و تکفیر می‌کنند. بنابراین درگیری آنها با وهابیت و دیوبندیسم خیلی جدی است. از طرف دیگر، شاخصه صوفی‌گری برای آنها ساختار اجتماعی ایجاد کرده است که می‌توان براساس آن مهم‌ترین طبقات مرجع بریلوی‌ها را به ترتیب زیر شرح داد:

۳-۱. متولیان دربارها یا زیارتگاه‌ها و مزارات

بخشی از صوفی‌ها، متولیان دربارها یا زیارتگاه‌ها هستند که خود به چند دسته تقسیم می‌شوند: سجاده‌نشین‌ها: بخشی از آنها علمای واقعی و اهل کرامت هستند که تعدادشان بسیار اندک است؛ به عبارت دیگر، اکثریت این طیف را افراد کم‌سواد تشکیل می‌دهند. علت آن موروثی بودن جایگاه متولی یا سجاده‌نشین است که از پدر به پسر به ارث می‌رسد و به عنوان صوفی و متولی زیارتگاه تعیین می‌شود. سجاده‌نشین‌ها خود به چند طبقه تقسیم می‌شوند:

طبقه پیشرو و روشنفکر: این طبقه روشنفکر به علوم جدید توجه زیادی دارند، به‌روز، مدرن و دارای ایده‌های اجتماعی فعال و ساختار اجتماعی مخصوص خویش هستند. این طیف را در چند مکان می‌توان پیدا کرد که یکی از این محل‌ها زیارتگاه سلطان باهو است. سلطان باهو یکی از سادات موسوی است که حدود ۴۰۰ سال قبل از دنیا رفت. قبلاً در «سیالکوت» مدفون بود، سپس جسد وی را به «برغانه» در پنجاب منتقل کردند. براساس آماري که متولیان این زیارتگاه منتشر کرده‌اند، حدود ۱۰ میلیون زائر و وفادار در هند و پاکستان دارند. سلطان باهو حدود صد اثر مکتوب دارد که ۹۰ درصد آن به فارسی و بقیه به عربی و سرائیکی نوشته شده‌اند. گفته می‌شود که وی دارای تفکر وحدت‌شهودی است، اما به نظر می‌رسد که دارای اعتقادات مبتنی بر وحدت وجود باشد.

متولیان این زیارتگاه از افراد دانشگاهی و خوش‌فکر علمی و به‌روز هستند که دارای نشریه، مجله، مؤسسات پژوهشی، آموزشی و خدماتی هستند. آنها کنفرانس‌های بین‌المللی برگزار می‌کنند

و نگاه اجتماعی پیشرو دارند و جزء طبقه نخبه خوش فکر به شمار می‌روند که دارای ایده برای امت اسلامی هستند و در فضای مجازی نیز بسیار فعال‌اند. فعالیت‌های این طیف ماهیت درباریان را به کلی تغییر می‌دهد. با توجه به ۱۰ میلیون پیرو و جذب نذورات زیاد از وضع مالی خوبی نیز برخوردارند (صادقی، ۱۳۹۵).

درباریان اجتماعی: دسته دیگر از متولیان دربارها به مسائل اجتماعی توجه دارند و دارای ساختارهای اجتماعی هستند، اما مثل دسته اول عمق کافی ندارند. این دربارها عمدتاً توسط ژنرال‌های بازنشسته ارتش و نظامیان اداره می‌شود که نمونه آن «بری (بزرگ) امام» در اسلام‌آباد است. «بری امام» نیز از سادات موسوی است که مزار پدرش داخل شهر اسلام‌آباد در محله «آب‌پاره» قرار دارد. سپاه صحابه نیز در این محله هستند و بدین دلیل صدمات و حملات زیادی به آنها وارد کرده‌اند.

۳-۲. مراکز زیارتی فرقه بریلوی

بزرگان فرقه بریلوی معتقدند که در مزار پیامبر بزرگ اسلام (ص)، اهل بیت (ع)، صحابه کرام، اولیاء الله و سایر بزرگان دین انواری وجود دارد که مردم می‌توانند از این انوار مطهره کسب فیض کنند. این مراکز زیارتی که در کشورهای مختلف از جمله عربستان، سوریه، ترکیه، هند و پاکستان وجود دارند، از مهم‌ترین امکانات فرهنگی فرقه بریلوی محسوب می‌شوند، زیرا سالیانه تعداد زیادی از پیروان این فرقه را به طرف خود جلب می‌کنند. بزرگان فرقه بریلوی در این زیارتگاه‌ها و مزارات برنامه‌های مختلف فرهنگی را به اجرا می‌گذارند و اعتقادات خود را تبلیغ می‌کنند. مردم نیز نذر و نذورات زیادی را تقدیم این آستان‌های مقدس می‌کنند که باعث تقویت مالی این فرقه می‌شود. مهم‌ترین این مزارها و زیارتگاه‌ها عبارت‌اند از:

- مزار خواجه نظام‌الدین اولیا در هند
- خواجه معین‌الدین چشتی اجمیری در هند
- شیخ عبدالقادر گیلانی در هند
- مزار داتا گنج بخش در لاهور
- لعل شهباز قلندر در ایالت سند
- بهاء‌الدین ذکریا در ملتان
- شاه شمس تبریز در ملتان
- شاه رکن عالم اولیا در ملتان
- شاه عبداللطیف در اسلام‌آباد
- عبدالله شاه غازی در کراچی





- رحمان بابا در پیشاور
- سخی شاه مردانی در پیشاور
- پیر مانکی شریف در نوشهره
- بابا غفور در بالاحصار پیشاور
- مکه شریف و مخدوم شریف بلوت در دیره اسماعیل خان در خیبر پختون خواه.

۳-۳. تشکل‌های سیاسی و اجتماعی بریلوی

تعداد تشکل‌های سیاسی بریلوی‌ها زیاد نیست بلکه خیلی محدود است. مهم‌ترین تشکل‌های سیاسی و اجتماعی بریلوی‌ها را حزب تحریک عوامی (جنش مردمی) پاکستان و جمعیت علمای پاکستان تشکیل می‌دهند که پیشتر به آنها پرداخته شد. اما در زیر می‌توان تشکل‌های بریلوی را این‌گونه بررسی کرد:

۱. منہاج القرآن و طاهر القادری: گروه استثنایی و منحصر به فردی که باید به آن به عنوان یک جریان مستقل نگاه کرد، گروه طاهر القادری است که عوامی تحریک به عنوان شاخه سیاسی آن شناخته می‌شود و منہاج القرآن نیز بخش فکری، اعتقادی، علمی و فرهنگی این گروه را تشکیل می‌دهد و دارای بخش خدمات عمومی و اجتماعی است که پلیس امدادی، یتیم‌خانه و غیره دارد. در مجموع این طیف به سه نوع فعالیت عمده می‌پردازد:

- سیاسی و حزبی از جمله حزب عوامی تحریک؛

- علمی، مذهبی، فرهنگی و آکادمیک: منہاج القرآن؛

- خدمات عمومی اجتماعی نظیر یتیم‌خانه‌ها، خیریه‌ها، پلیس امدادی و غیره.

۲. تشکل‌های نورانی و نیازی: طیف دوم از جمعیت علمای پاکستان (JUP)^۱ تشکل‌های نورانی و نیازی هستند که در این گروه قرار می‌گیرند. در میان پاکستانی‌ها میل به تجزیه و انشعاب و تشکیل گروه‌های جدید بسیار زیاد است. اگر کسی بین آنها محبوبیت داشته باشد، می‌تواند آنها را دور یکدیگر جمع کند.

۳-۴. تشکل‌های دینی-علمی

با توجه به اینکه تشکل‌های دینی و علمی با بدنه تکنوکرات و افسران دولتی ارتباطات خوبی دارند، حزبی-سیاسی نیستند، اما کارکردهای اجتماعی و مذهبی دارند. این تشکل‌ها یک دسته مدارس دینی بریلوی هستند که برخی از آنها صاحبان دربارها نیز می‌باشند و در کنار مدرسه دینی در دربار هم هستند. آنها همچنین با نیروهای دولتی و رسمی ارتباط دارند و به لحاظ سیاسی تأثیرگذارند.

برای نمونه می‌توان به مجموعه مدارس بهیره شریف، امین الحسنات، مدرسه نعیمیه، منظر الاسلام بریلی، دارالعلوم عالی حضرت، جمعیت امجدیه رضوی کراچی و... اشاره کرد.

- مجموعه مدارس بهیره: امین الحسنات وزیر امور مذهبی در پاکستان است. پدرش پیر کرم‌الله از علمای بزرگ بریلوی است که آثار ارزشمندی دارد. برخی از کتب وی از منابع درسی مدارس بریلوی است. وی صاحب مجموعه مدارس بهیره در کل پاکستان است که غیر از دروس دینی دروس جدید (نظیر کامپیوتر) نیز در آنها تدریس می‌شود. بخش پاسخ به استفتائات و سؤال‌ها نیز دارند. همچنین بخش خدمات اجتماعی که در آن به نیازمندان رسیدگی می‌شود. رابطه آنها با شیعیان خوب است. به شیعیان (به ویژه طیف ذاکری‌ها) نیز بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی نظیر تغییر مذهب خدمات رفاهی ارائه می‌دهند. علاوه بر فعالیت‌های علمی و حوزوی و ارائه خدمات رفاهی در تحولات سیاسی نیز تأثیرگذارند. آنها حزب سیاسی نیستند اما کارکردهای سیاسی دارند.

- مدرسه نعیمیه: راغب نعیمی، پسر شهید سرفراز نعیمی، مسئول این مدرسه است. این مدرسه شبیه مدرسه بهیره است، اما از آن کوچک‌تر است و کارکردهای سیاسی ضعیف‌تری دارد.

۳-۵. شکل‌های دانشگاهی و جوانان

ویژگی این گروه مرجع، جوان و صوفی بودن آن است. به شدت حساسیت‌های سیاسی و اجتماعی دارند و علاقه‌مند حضور در تحولات اجتماعی هستند. ویژگی عمومی بریلوی‌ها ضدیت با وهابیت و عربستان است، ملی‌گرا هستند، به مقاصد تشکیل پاکستان (اسلام، استقلال و دشمنان پاکستان) حساس‌اند و در مورد آمریکا و اسرائیل نیز حساسیت دارند. همانند سایر تشکلهای جوان و دانشگاهی، به دلیل آرمان‌گرایی دانشگاهی و جوان بودن، به تشکیل امت اسلامی و حل مسئله فلسطین نیز حساسیت نشان می‌دهند؛ با این حال، ظرفیت شکل آنها متناسب با این اهداف و آرزوها نیست. برای نمونه به انجمن طلبای اسلام و انجمن جوانان صوفی اشاره و سپس اسامی تعدادی از مراکز تحقیقاتی و تبلیغی بریلوی بیان می‌شود.

- انجمن طلبای اسلام یا ATI: مهم‌ترین تشکل دانشگاهی بریلوی‌ها، انجمن طلبای اسلام^۱ یا ATI است؛ اما به دلیل اینکه قبل از استقلال پاکستان شکل گرفته است، اهداف و خواسته‌های فوق‌را در اساسنامه تشکل پیش‌بینی نکرده‌اند. مهم‌ترین شعارشان نظام مصطفی و ترویج عشق مصطفی است. مهم‌ترین فعالیت آنها معطوف این است که جوانان را محب حضرت رسول (ص) و اهل بیت و صحابه تربیت کنند؛ با وجود این عمق سیاسی لازم را ندارند. چون تشکلی دانشجویی هستند و پس از فارغ‌التحصیلی عملاً جدا می‌شوند، مجموعه فعالیت آنها محدود به انجام مجموعه



فعالیت‌های مشخص در حوزه‌های سطحی صوفی و معنوی است تا دانشجویان سکولار و بی‌دین نشوند، محبت و عشق به حضرت رسول (ص) کم نشود و نمازشان را بخوانند.

آنها در یک حوزه بسیار فعال هستند و آن حوزه توحید و رسالت است. در این حوزه به یک گروه مرجع دیگر یعنی گروه علمای ظاهر بین سطحی نگر که تمام فهم سیاسی-اجتماعی‌شان مناسک دینی ظاهری بریلوی است، وصل می‌شوند. در واقع آنها در حوزه توحید و رسالت به علمای ظاهر بین وصل می‌شوند. آنها جلو می‌افتند و ای‌تی‌آی نیز پیاده‌نظام آنها را تشکیل می‌دهند. آخرین نمونه از همکاری آنها، موضوع ممتاز قادری بود که ای‌تی‌آی به شدت فعال بودند.

به طور کلی یکی از ویژگی‌های گروه دانشجویان این است که با همه گروه‌ها و طیف‌ها مرتبط‌اند، با مخالفان مراسم غرس و سماع به شدت مخالفت می‌کنند و با مخالفان آن درگیر می‌شوند. به موضوعات بین‌المللی و امت اسلامی نیز علاقه زیادی دارند اما تا کنون بیشترین ارتباط آنها با ترکیه بود. حتی گروهی از آنها در مدارس فتح‌الله گولن فعال بودند. نکته مهم این است که آنها کمتر با تشکیلات رسمی دولت ترکیه مرتبط بودند و بیشتر با تشکلات فتح‌الله گولن ارتباط داشتند؛ بنابراین در کودتای اخیر بسیار ضربه خوردند و الان فرصت مناسبی برای ارتباط‌گیری و جدا کردن آنها از ترکیه است. آنها پس از کودتای اخیر ترکیه به شدت سرخورده شده‌اند.

- انجمن جوانان صوفی

۶-۳. علما و خطبا

این طیف نه دانشگاهی، نه درباری و نه سجاده‌نشین هستند. آنها تشکل سیاسی ندارند، اما دارای مخاطب هستند و صرفاً کار علمی و دینی انجام می‌دهند. آنها حتی رسانه نیز دارند. به حوزه فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی وارد نمی‌شوند، چون تأثیرگذار نیستند. برای نمونه مولانا الیاس در کراچی رسانه، تلویزیون، حوزه و پول و کتابخانه دارند و کار تبلیغ مذهبی و دینی انجام می‌دهند، اما وارد حوزه‌های سیاسی و اجتماعی نمی‌شوند.

- مهم‌ترین علمای بریلوی‌ها در پاکستان

از مهم‌ترین منابع دینی و فرهنگی هر فرقه و مکتبی، علمای آن فرقه هستند؛ زیرا آنها با تحصیل، مطالعه، تحقیق و تعمق، مسائل دینی را دریافته‌اند و یافته‌های خود را در قالب کلاس و درس و همچنین سخنرانی و خطابه در اختیار طلاب علوم دینی و عامه مردم قرار می‌دهند. علمای فرقه بریلوی در انتشار معارف الهی نقش پررنگی دارند. آنها با فعالیت‌های خود در سراسر پاکستان از جمله تدریس در مدارس دینی، برگزاری مراسم مذهبی، سخنرانی در محافل مختلف، نگارش کتب مختلف، حضور در رسانه‌های مختلف، پاسخگویی به شبهه‌ها و حمله‌های دینی فرقه‌های

دیگر، پاسخگویی به سؤال‌های شرعی پیروان فرقه بریلوی، برپایی نماز جماعت در مساجد، تشکیل احزاب و گروه‌های مذهبی و ... باعث نشر و گسترش عقاید فرقه بریلوی در پاکستان شده‌اند. برای آشنایی بیشتر، اسامی تعدادی از مهم‌ترین علمای عصر حاضر فرقه بریلوی در پاکستان برگرفته از کتاب تذکره اکابر اهل سنه نوشته مولانا محمد عبدالحکیم شرف قادری (۱۳۸۴، انتشارات نوری لاهور) و همچنین با کمک علامه مفتی محمد صدیق هزاروی، مولانا مفتی گلزار احمد نعیمی و سایر علمای بریلوی ارائه می‌شود:

مولانا دکتر محمد ظاهر القادری، رئیس منهاج القرآن لاهور و رهبر تحریک عوامی؛ مولانا ابوالخیر محمد زبیر، رهبر جمعیت علمای پاکستان؛ مولانا صاحب‌زاده فضل کریم، رهبر قبلی جمعیت علمای پاکستان؛ سید احسان الحق شاه، مولانا احمد منیر نورانی، مولانا الطاف محی‌الدین، مولانا جان محمد نعیمی، مولانا حبیب احمد نقشبندی، مولانا صاحب‌زاده حمیدالدین برکتی، مولانا سید ریاض حسین شاه، مولانا صابر نورانی، مولانا حافظ ضیاء الحق هزاروی، مولانا سید ظفر علی شاه، مولانا عبدالرزاق بته‌الوی، مولانا مفتی عبدالعلیم سیالوی (لاهور)، مولانا مفتی عرفان حفیظ مدنی، مولانا سید عظمت علی شاه، مولانا ابوداؤد صادق (گوجرانواله)، مولانا احمد رضا رضوی، مولانا سید ارشد سعید کاظمی، مولانا شاه تراب الحق قادری، مولانا جی. ای. حق محمد، مولانا حسین الدین شاه، مولانا دکتر راغب حسین نعیمی، مولانا دکتر صاحب‌زاده ساجد الرحمان، مولانا دکتر صدیق علی چشتی، مولانا ضیاء‌الله، مولانا صاحب‌زاده عبدالمالک، مولانا مفتی میر عبداللہ، مولانا عبدالمصطفی هزاروی، مولانا صاحب‌زاده عطاء المصطفی نوری، مولانا عمر فاروق سعیدی، مولانا عون محمد سعیدی، مولانا غلام سرور هزاروی، مولانا غلام مصطفی رضوی، مولانا غلام رسول سعیدی، مولانا غلام محمد سیالوی، مولانا فضل جمیل رضوی، مولانا فیض احمد اویسی، مولانا گل رضا عطاری المدنی، مولانا گلزار احمد نعیمی (اسلام آباد)، مولانا محبوب حیات قادری، مولانا سید محفوظ الحق مشهدی، مولانا مفتی محمد ابراهیم، مولانا سید محمد اجمل شاه گیلانی، مولانا قاضی محمد احسان الله، مولانا محمد اسحاق ظفر، مولانا دکتر محمد اشرف آصف جلالی، مولانا محمد اشرف سیالوی (سرگودھا)، مولانا محمد الطاف حسین، مولانا محمد الیاس قادری امیر دعوت اسلامی، مولانا صاحب‌زاده بدرالزمان قادری (لاهور)، مولانا محمد بشیر (استور)، مولانا مفتی محمد جمیل نعیمی، مولانا محمد حیات قادری، مولانا مفتی محمد خان قادری، مولانا محمد ذوالفقار المدنی العطاری، مولانا مفتی محمدرحیم سکندری، مولانا صاحب‌زاده محمد ریحان امجد نعمانی، مولانا محمد شریف رضوی (بہکر)، مولانا محمد شعبان، مولانا محمد صدیق هزاروی، مولانا محمد ظاهر شاه قادری، مولانا محمد ظفر عطاری، مولانا حافظ محمد عبدالستار



سعیدی، مولانا محمد محب الله نوری، مولانا محمد وزیر القادری، مولانا صاحبزاده مظهر فرید، مولانا مفتی منیب الرحمان، مولانا نظیر احمد، مولانا سید نظیر حسین شاه، مولانا نورالحق قادری، عضو اسبق مجلس ملی پاکستان، مولانا سید وجاقت حسین گردیزی، مولانا مفتی هدایت الله پسروری و غیره.

4. امکانات رسانه‌ای و فرهنگی بریلوی‌ها

4-1. مطبوعات و رسانه

اهل سنت بریلوی پاکستان جراید، رسائل و روزنامه‌های زیادی منتشر می‌کنند. با توجه به اینکه تعداد زیادی از روزنامه‌ها و صاحبان امتیاز رسانه‌های مطبوعاتی پاکستان غیربریلوی هستند، ارتش پاکستان از اعطای مجوز و انتشار جراید و مجلات توسط بریلوی‌ها حمایت می‌کند. برخی از این رسائل مختص موضوع تصوف است و برخی زیر نظر آستان‌ها و مراکز وابسته به صوفی‌ها و مشایخ منتشر می‌شوند. برخی نیز وابسته به مدارس دینی هستند. روزنامه‌ها گاهی منتشر و گاهی نیز مسدود می‌شوند. برخی از این نشریات به صورت محدود و محلی و برخی دیگر در سطح وسیع‌تری منتشر می‌شوند. تعدادی از رسائل و جراید مهم فرقه بریلوی که در پاکستان منتشر می‌شوند، شامل: ماهنامه منهاج القرآن در لاهور به سرپرستی دکتر ظاهر القادری، ماهنامه سلطان المشایخ لاهور به مدیریت سید عبداللطیف شاه لطیف چشتی، ماهنامه بصیر، ماهنامه المجلس، خاتون پاکستان و ماهنامه تاج در کراچی، ماهنامه سهرورد در لاهور به مدیریت اویس سهروردی، سالنامه مدینه العلم، جامعه غوثیه رضویه در اسلام آباد، ماهنامه نور اسلام، شرقپور شریف، ماهنامه رضای مصطفی در گوجرانواله به مدیریت مولانا ابو داوود محمد صادق، الفرید، جامعه فریدی، ساهیوال، ماهنامه فیض، خانقاه فضلیه در شیرگره به مدیریت قاضی محمد حمید فضلی، الطاهر در حیدرآباد به مدیریت حبیب الرحمان، ماهنامه دختران اسلام در لاهور به سردبیری قره العین فاطمه، ماهنامه ماه طیبه در کوتلی لوهاران سیالکوت به مدیریت ابوالنور محمد بشیر و ...

4-2. شبکه‌های تلویزیونی وابسته به بریلوی‌ها

- شبکه تلویزیونی ARY: نام یکی از تجار طلای معروف پاکستان عبدالرحمن یعقوب است که صاحب این شبکه تلویزیونی است. در واقع، ARY مخفف انگلیسی نام وی است. این شبکه تلویزیونی در خلال برنامه‌های خود از تفکر بریلوی و بریلوی‌ها حمایت می‌کند؛ با وجود این به علت پخش نشدن برنامه از داخل پاکستان، نمی‌تواند به صورت مستقیم عقاید بریلویه را ترویج کند یا پاسخ علمای بریلوی به مخالفان عقاید این فرقه را که از فرق دیگر هستند، در این شبکه پخش کند.

- شبکه تلویزیونی Q-TV: این شبکه کاملاً مذهبی است و فقط برنامه‌های تبلیغی این فرقه را پخش می‌کند. این شبکه تلویزیونی از صبح تا شب برنامه‌های حمد و نعت و سخنرانی علمای بریلوی را پخش می‌کند.

- شبکه تلویزیونی مدنی چنل: این شبکه نیز تحت پوشش تشکل دعوت اسلامی است و تنها برنامه‌های مذهبی فرقه بریلوی را پخش می‌کند. در این شبکه برنامه‌هایی نظیر حمد و نعت، قوالی، سؤال و جواب و ... پخش می‌شود. شبکه مذکور در ۱۱ سپتامبر ۱۳۸۷ تأسیس شد. دفتر این شبکه در کراچی به این آدرس است: chintamani plaza ۳rd floor Andheri East. این شبکه یک وب‌سایت به آدرس: MadaniChannel.com دارد. مدنی چنل دارای یک شبکه اینترنتی آن لاین نیز هست.

با توجه به اینکه حکومت پاکستان اجازه نمی‌دهد در داخل این کشور برنامه‌های تبلیغی تصویری مختص یک فرقه خاص پخش شود، مراکز دو شبکه اخیر در دبی است و از امارات متحده عربی برای مردم پاکستان برنامه پخش می‌کنند. بنابراین در این شبکه‌ها، عقاید فرقه بریلوی به صورت آشکار تبلیغ می‌شود. در این دو شبکه، کارشناسان مذهبی به سؤال‌های مردم و شبهه‌های وارده، پاسخ می‌گویند. علاوه بر آن، آگهی فروش کاست و سی‌دی‌های مذهبی پخش می‌شود که این محصولات در سراسر دنیا به فروش می‌رسند (ثاقب اکبر، ۱۳۸۹).

۴-۳. مساجد و ائمه جماعات

مساجد این گروه شبیه دربارها، محل مراجعه عمومی هستند؛ بدین علت مساجد از اهمیت زیادی برخوردارند. در مسجد جنبه شریعت خیلی قوی است و همه متشرع هستند، اما در دربار ممکن است کسی نماز نخواند یا دارای انحرافات فکری باشد. نکته مهم این است که در طول زمان کنترل مساجد از دست بریلوی‌ها خارج و به دست دیوبندی‌ها افتاده است؛ زیرا آنها از وضع مالی خوبی برخوردارند و توان پرداخت هزینه‌های مساجد از جمله ائمه جماعات را دارند. با وجود این، مساجد ظرفیت عظیمی دارند و محل مراجعه طیف عظیمی از مردم هستند و جزء طبقات مرجع محسوب می‌شوند. مهم‌ترین نکته این است که با مراجعه مردم به مسجد، ائمه جمعه به عنوان مرجع مطرح می‌شوند. آنها نه تشکل دانشگاهی هستند، نه علمای صرف و نه به دنبال اعمال صوفیانند. آنها اهل خطابه و وعظ هستند که عمدتاً از سلامت نفس برخوردارند، اما بینش سیاسی بسیار پایینی دارند.

در مساجد برخلاف دربارها، به جای اجرای شعائر و مناسک صوفیانه، مراسم و برنامه‌های دیگری اجرا می‌شود؛ به طوری که پایگاه عمده نعت‌خوانی‌ها در مساجد است. قبل از اذان، در مساجد نعت می‌خوانند. جلسات ختم، آموزش قرآن و فعالیت‌های مربوط به آن انجام می‌دهند.



حتی ختم بعضی مجموعه‌های حدیثی در مساجد انجام می‌شود. البته فعالیت‌های محدودی در حوزه اجتماعی دارند، اما انمه جمعه و جماعت باید به طور ویژه مورد توجه قرار گیرند. توجه به خطبا برای انتقال مطلب و مفهوم خود بسیار مهم است. در دربارها فرصت‌ها محدود است، زیرا در طول سال چند برنامه و مراسم خاص انجام می‌شود، اما در مساجد برنامه‌ها روزمره اجرا می‌شوند. با وجود این، مساجد فعالیت سیاسی بسیار اندکی دارند. به طور کلی، بریلوی‌ها در تبیین سیاسی بسیار ضعیف و به هم ریخته‌اند و برنامه ندارند.

5. ظرفیت‌سنجی نهضتی بریلوی

در تجزیه و تحلیل ظرفیت‌سنجی نهضتی بریلوی‌ها باید تأکید کرد که مکتب بریلوی بالذات یک جنبش فکری و فرهنگی است، اما با توجه به ضعف‌های ساختاری، ضعف ایده‌ای و نداشتن نظام فکری منسجم، هنوز جنبش بریلوی نتوانسته است به یک جنبش سیاسی و اجتماعی تبدیل شود. بدون شک بریلوی‌ها در ذات خود دارای فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌هایی هستند. بدون شناسایی ظرفیت‌های فرهنگی، رسانه‌ای، اجتماعی و تشکل‌های سیاسی بریلوی‌ها، نمی‌توان درباره ظرفیت نهضتی آنان سخن گفت.

واقعیت این است که بریلوی‌ها از پتانسیل‌های ارزشمند جمهوری اسلامی ایران در پاکستان بوده و ایران شناخت دقیق و کافی از این فرقه فکری - مذهبی ندارد. البته عملکرد نامنسجم آنان در این عدم شناخت دقیق مؤثر بوده است؛ زیرا بریلوی‌ها رفتارهای متناقض و گاهی سینوسی از خود نشان داده و در بدنه آنها هم انسجام کافی وجود ندارد. به عبارتی بسیاری از بریلوی‌ها در رفتارهای سیاسی خود به صورت سکولار عمل می‌کنند؛ اما قدرت بسیج مردمی و بسیج منابع خوبی دارند و برخی از رهبران‌شان نیز افراد شاخصی هستند.

بنابراین بدنه اجتماعی قوی بریلوی‌ها به نوعی می‌تواند راه تنفسی برای شیعیان پاکستان باشد. بریلوی‌ها در مقاطعی که شیعیان به برخی مسائل سیاسی پاکستان اعتراض داشته از جمله کشتار شیعیان از آنها حمایت کرده است. گرایش اعتقادی بریلوی‌ها، دوستی اهل بیت و انمه اطهار (علیهم‌السلام) است و زیارت و توسل برای آنها ارزشمند است. در مورد حمایت از شیعه و روابط بریلوی‌ها با شیعه باید گفت که دیوبندی‌ها علیه شیعه به صراحت موضع می‌گیرند؛ اما بریلوی‌ها زمینه ارتباط با شیعه را دارند و این علاقه هم در آنها وجود دارد. البته نکته ظریف اینجاست که باید تبلیغات شیعه‌لذنی^۱ را در نظر گرفت که بریلوی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بریلوی‌ها نیز

۱. شیعه‌لذنی شیعیانی هستند که توسط دستگاه‌های جاسوسی انگلیس هدایت و کنترل می‌شوند که مهم‌ترین هدف آن ایجاد تفرقه و اختلاف و افزایش تنش‌ها بین شیعیان و اهل سنت است. اعتقاد به جدایی دین از سیاست دارند و

تمایزی میان شیعه ناب و شیعه لندنی قائل نیستند که باید برای این مشکل کاری کرد. درباره ارتباط با شیعیان و علاقه بریلوی‌ها به اهل بیت (ع) باید گفت که آنها هیچ ابایی از آشکار شدن این موضوع ندارند. بریلوی‌ها این علاقه را پس از رشد سلفیت و تکفیر در پاکستان در معابر خود ابراز می‌کردند. غلام مصطفی رضوی در کتاب خود به صراحت اشاره کرد کسی که به اهل بیت علاقه نداشته باشد، مسلمان نیست. با وجود همه پتانسیلی که در بریلوی‌ها وجود دارد، در شرایط امروزی با وجود جمعیت زیاد، خود را بیشتر غرق در همان دنیای تصوف و برگزاری غوث‌ها و مراسم و جشن‌های نبی اکرم کرده‌اند و به مقدار زیادی از شرایط روز مسلمان‌ها دور شده‌اند. نقش دیوبندی‌ها در تشکل‌های موجود در هند و پاکستان قوی‌تر است و گرایش متعادل‌تری مانند جماعت اسلامی در پاکستان و صبغه سیاسی بیشتری نسبت به بریلوی‌ها دارند. از این رو، گرچه آنان در میدان سیاسی پاکستان قوی بودند، نتوانستند کرسی زیادی در پارلمان به دست بیاورند. دیوبندی‌ها در این زمینه نسبت به بریلوی‌ها قوی‌تر عمل کردند.

جریان فضل‌الرحمن یا سمیع‌الحق نسبت به جمعیت علمای پاکستان (شاخه نورانی) به مقدار بیشتری توانسته‌اند در سیاست اثرگذار باشند. یکی از ضعف‌های بریلوی‌ها، سازمان و شکل دادن به قالب این جمعیت در شبه قاره هند است که آن‌طور که باید نتوانسته‌اند جایگاه خود را در جامعه هند و پاکستان تثبیت کنند. هرچند بریلوی‌ها در اعتقادات به شیعیان نزدیک هستند، اما با شیعیان اختلافاتی هم دارند. برای نمونه شاه احمد نورانی در لاهور، مخالف جدی برقراری خط لوله صلح ایران و پاکستان و هند بود و علت این مخالفت، ضدیت آنها با هند بود. آنان نام خط صلح را که هند در آن شریک باشد، قبول ندارند (زمانی، ۱۳۹۵).

رفتارهای نادرست شیعیان پاکستان نیز ذهنیت‌ها را به طور مضاعف درباره ایران و شیعیان ایران منفی کرده است؛ از این رو آنها نگاه چندان خوبی به جمهوری اسلامی ایران ندارند. مردم عادی این کشور اطلاعات چندان‌ی درباره کشور و مردم جمهوری اسلامی ایران ندارند؛ اما نخبگان و علمای آنها نگاه منفی به این مقوله دارند که اصلاح این نگاه به آسانی صورت می‌گیرد. ایجاد ارتباط با شناخت قبلی اهمیت بسیاری دارد و راه دیپلماتیک جواب نمی‌دهد، اما دیپلماسی عمومی نتیجه‌بخش است. بریلوی‌ها درباره مسئله قدس و فلسطین به قرائت ترکی نزدیک‌تر هستند تا ایران. تشکل‌های دانشگاهی ظرفیت بسیار نزدیکی برای ما محسوب می‌شوند تا از آنها استفاده کنیم، چون افراد تحصیل‌کرده در رشته‌های مختلف حضور دارند و از ماهیت ضد استکباری محکمی برخوردارند. آنان به شدت ضد غرب و ضد استکبار هستند و ضدیت راسخی با وهابیت و

صهیونیسم دارند. آنها کم و بیش جمهوری اسلامی ایران را می‌شناسند و ضمن انتقاد به جمهوری اسلامی فکر می‌کنند که ایران یکی از قطب‌های قدرت جهان اسلام است و باید از ظرفیت‌های آن استفاده کرد. آنان به ارتباطات آکادمیک با تشکل‌های دانشگاهی ایران علاقه‌مند هستند و به دلیل ساختاریافتگی، ظرفیت بهره‌برداری دارند.

6. آسیب‌ها و ضعف‌های بریلوی‌ها در امور نهضتی

- یکی از آسیب‌های جدی در حوزه بریلوی در پاکستان این است که به سبب پراکندگی وزنه‌های اجتماعی و کانون‌های تأثیرگذار بریلوی، قدرت بریلوی در پاکستان بسیار رقیق شده است. این امر در مقایسه با دیوبندی‌ها به‌ویژه نسل جوان کاملاً به چشم می‌خورد. تکرر کانون‌ها باعث رقیق شدن گروه شده است. اگر سازماندهی دقیقی حول یک فرد مشخص یا کانون اجتماعی انجام گیرد که بتواند به عنوان پیشران جنبش اجتماعی عمل کند، می‌توان به آینده جنبش‌ها امیدوار شد.

- دولت انگلیس به معنای واقعی کلمه در بریلوی‌ها نفوذ دارد و پشت صحنه آنها را هدایت می‌کند. بیشتر افراد این گروه در لندن دفاتری تأسیس کرده‌اند و رفت‌وآمد زیادی با سفارت انگلیس دارند.

- به نظر می‌رسد بریلوی‌ها دچار ضعف ساختاری و فاقد ساختار فکری و مرکزیت قوی هستند. ضعف بنیادین و ساختاری به علت نداشتن مراکز تصمیم‌گیری و ساختار سازمانی مناسب برای رسیدن به ساختار قدرت و همچنین نیاز به قطب‌نما و حامی داشتن بوده است.¹ عدم حمایت خارجی از آنان باعث شده است که به سمت شیعیان و حامی شیعیان یعنی ایران روی آورند. آنها از جذب جوانان‌شان به وهابیت احساس خطر می‌کنند. آنها شیعه را در قالب ایران می‌بینند و گرنه صرف شیعه برای آنها فرصت محسوب نمی‌شود. البته ضعف ساختاری بریلوی‌ها نباید به معنی رها کردن بریلوی‌ها باشد. بریلوی‌ها توان بسیج دینی، اجتماعی و فرهنگی دارند، اما در عملی کردن سیاست‌های خود ناتوان هستند.

- وجود مدارس دینی گسترده که افراط‌گرایی را ترویج می‌دهند، ناشی از حمایت‌های جریان وهابیت از آنها بوده است. از زمان حمله شوروی به افغانستان، جریان‌های افراطی شکل گرفتند و این مسئله موجب شد طی این سال‌ها، به نوعی گروه‌های افراطی تولید و بازآفرینی شوند و به افراط‌گرایی در منطقه دامن زده شود. با توجه به اینکه جمعیت عظیم مسلمانان در شبه‌قاره و جنوب آسیا متمرکزند، این تهدید برای آینده همچنان وجود دارد که تروریسم به مناطقی مانند جنوب آسیا و آسیای مرکزی سرایت کند یا حتی رگه‌هایی از نفوذ افراط‌گرایی مانند داعش نیز دیده می‌شود.

۱. نمونه این کار در جریان طاهر القادری مشاهده می‌شود که به رغم تبلیغات و تظاهرات گسترده، موفق به انجام کار سیاسی منسجمی نشد و اقداماتی را به صورت مقطعی انجام داد که اثرگذار نبود.

- برخی احزاب و به صورت مشخص حزب مسلم‌لیگ نواز و حزب مردم و نیز جمعیت علمای اسلام، جماعت اسلامی مانند MQM و جماعت علمای پاکستان شیرانی با جریان‌های بریلوی نظیر جریان قادری ناهمسو و مخالف هستند. همین امر موجب شده است بریلوی‌ها با گروه‌های مخالف داخلی روبه‌رو شوند.

- یکی از مهم‌ترین آسیب‌های جریان بریلوی، قائم به شخص بودن آن است؛ به این معنی که اکثر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سیاست‌های رهبران بریلوی محدود به شخص و به طور متمرکز است. سیاست‌ها و برنامه‌های حزب یا جریان‌های بریلوی توسط رهبران آن مشخص می‌شود. همین امر همراه ویژگی مرید و مرادی و خصوصیات صوفیسم موجب می‌شود نهادهای اطلاعاتی و نهادهای قدرت در داخل، به رهبران بریلوی تأثیر بگذارند و حتی با ارائه کمک‌های مادی یا سیاسی آنان را هدایت و استخدام کنند.

نتیجه‌گیری

بریلوی‌ها و علمای آن، مکتب بریلوی را در مخالفت با مکتب دیوبندی و سپس وهابیت تشکیل دادند. با توجه به گرایش‌های متعدد و گاه متعارض فکری اهل سنت حنفی، مسلمانان سنی به نوعی در تنازع و مناقشه علمی و فکری شدیدی به سر می‌برند که به حاد شدن فضای تعصبات مذهبی و فکری افزوده است و همین امر خود زمینه را برای ظهور سازمان‌های مذهبی و سیاسی فراهم می‌کند تا هر جناح مذهبی و فکری به صورت سازمان‌یافته اقدام به فعالیت کند. البته واضح است که دیوبندی‌ها و اهل حدیثی‌ها، قرائت افراط‌گرایانه از دین دارند و از طریق جریان وهابیت، حمایت همه‌جانبه می‌شوند. بنابراین بریلوی‌ها با ایجاد احزابی نظیر «حزب جمعیت علمای پاکستان»، حزب تحریک عوامی، حزب تحریک سنی، جماعت اهل سنت و چندین حزب دیگر، در کنار پاسخگویی به شبهه‌های دینی بریلوی‌ها و اهل حدیثی‌ها، به دنبال ترویج عقاید بریلوی و تفکرات احمدرضاخان، و حمایت از حقوق سیاسی و اجتماعی بریلوی‌ها هستند.

بر این اصل اتفاق نظر وجود دارد که بریلوی‌ها و دیوبندی‌ها در پاکستان پیرو فقه حنفی هستند. عمده اهل سنت در پاکستان و افغانستان حنفی‌مذهب‌اند و می‌توان بین آنها و شیعه مشترکات زیادی پیدا کرد یا خطوط قرمز با تکفیری‌ها را در این دو کشور دید. حوزه‌های علمیه باید روی این موضوع کار کنند و متون آموزشی مدارس دینی و سنی را که فاقد تفکرات افراطی است، مورد بررسی مجدد قرار دهند. با این کار می‌توان دروس مدارس اهل سنت را استانداردسازی کرد. ما نمی‌خواهیم اهل سنت به تشیع بپیوندند؛ اما می‌خواهیم سنی‌های واقعی باشند. قطعاً سنی واقعی نیز با تفکرات افراطی مشکل دارد. حتی موضوع تکفیری میان علمای بزرگ دیوبندی هم دارای

اشکال است. بنابراین باید اصل مسئله و اعتقاد واقعی شیعه را تبیین کرد. آنها حتی تا چند سال پیش باور نمی‌کردند که قرآن شیعیان با آنها یکی است. مسلماً اگر ما قرآن را تحریف کرده باشیم، حکم به تکفیر ما خواهند داد. سجده کردن ما برای امام حسین (ع) با تکفیر آنها مواجه شده است، اما اینکه شیعه کافر است در اعتقادات آنها وجود ندارد و آنها فقط به برخی از اعمال شیعه حساس هستند. مجموعه سنی تحریک، بزرگ‌ترین گروه بریلوی است. آقای «اعجاز قادری» در ایالت سند نیز از افراد قدرتمندی است که به شیعه تمایل دارد و این مجموعه را هدایت می‌کند؛ اما متأسفانه ارتباطی با وی برقرار نمی‌شود.

تحول اسلامی و دینی در پاکستان که بتواند مشکلات پاکستان را حل کند، ایجاد یک جنبش دینی به رهبری بزرگان بریلوی است؛ چون خاستگاه جریان‌های دیوبندی در نهایت به عربستان برمی‌گردد و به نفع ایران نیست که دیوبندی‌ها در پاکستان قدرت بگیرند. همچنین دیوبندی‌ها سرمایه اجتماعی زیاد یا جایگاه اجتماعی محکمی ندارند، چون در ایجاد تفرقه و گروه‌های تروریستی تاثیرگذارند؛ اما بدنه اجتماعی پاکستان از اقدام این گروه‌های افراطی برای ایجاد تحول اسلامی در این کشور استقبال نمی‌کند. بنابراین حاکمیت دیوبندی در پاکستان به نفع ایران نیست. در حال حاضر زمینه برای ایجاد تحولی مانند انقلاب اسلامی ایران در پاکستان فراهم نشده است؛ اما می‌توان در قالب سازوکارهایی مانند انتخابات امیدوار بود که احزاب بریلوی بتوانند نقش سیاسی خود را ایفا کنند.



منابع و مأخذ

صورت‌جلسات

- باقری، اسماعیل (۱۳۹۵)، «شناسایی حساسه‌های فرهنگی - رسانه‌ای بریلوی‌ها در موضوعات نهضتی»، موسسه اندیشه‌سازان نور.
- جمالی، جواد (۱۳۹۵)، «شناسایی طبقه پیشرو اجتماعی فعال بریلوی و شناسایی حساسه‌های آن»، موسسه اندیشه‌سازان نور.
- رئیس‌السادات، عبدالحسین (۱۳۹۵)، «بررسی شکل‌پذیری بریلوی‌ها و وضع تشکیل فعلی آنان»، موسسه اندیشه‌سازان نور.
- رئیس‌السادات، عبدالحسین (۱۳۹۵)، «شناسایی طبقه پیشرو اجتماعی فعال بریلوی و شناسایی حساسه‌های آن»، موسسه اندیشه‌سازان نور.
- زمانی، مسعود (۱۳۹۵)، «بررسی شکل‌پذیری بریلوی‌ها و وضع تشکیل فعلی آنان»، موسسه اندیشه‌سازان نور.
- صادقی، تقی (۱۳۹۵)، «بررسی شکل‌پذیری بریلوی‌ها و وضع تشکیل فعلی آنان»، موسسه اندیشه‌سازان نور.
- صادقی، تقی، «شناسایی حساسه‌های فرهنگی - رسانه‌ای بریلوی‌ها در موضوعات نهضتی»، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- عباس نقوی (۱۳۹۵)، راشد، «بررسی شکل‌پذیری بریلوی‌ها و وضع تشکیل فعلی آنان»، موسسه اندیشه‌سازان نور.
- فیاض، عباس (۱۳۹۵)، «بیان مسئله و نحوه جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات در خصوص بریلوی‌ها»، موسسه اندیشه‌سازان نور.

مصاحبه

- مصاحبه با تقی صادقی (۱۳۹۵)، «طبقه اجتماعی پیشرو بریلوی»، در موسسه اندیشه‌سازان نور شعبه مشهد.
- مصاحبه با دکتر محمدرضا دهشیری (۱۳۹۵)، «منافع ملی و سیاست‌های نهضتی»، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- مصاحبه با عمر ریاض عباس (۱۳۹۵)، سخنگوی جریان طاهر قادری، مؤسسه اندیشه‌سازان نور.

منابع فارسی

- اکبر، ثاقب (۲۰۱۰)، مسالک دینی پاکستان (به زبان اردو)، چاپ اول، البصیره، اسلام آباد.
- امینی، اسماعیل (۱۳۹۴)، «بریلوی یکی از فرقه‌های گمراه اهل سنت!»، قابل دسترس در:

<http://sozimihrab.org/>



- پژوهش راهبردی 68 (1393)، «جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی اجتماعی پاکستان و چشم‌انداز آن».
- خبرگزاری فارس (1391/7/30)، «نگاهی به گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی پاکستان».
- «دانشنامه ایران و اسلام»، ترجمه دایره المعارف اسلام، ج 10.
- سایت ویکی پدیا، اردو، آزاد دایره المعارف، <http://ur.wikipedia.org/>
- سید حسین رضوی، پایان‌نامه «تاریخ و عقاید بریلویه»، استاد راهنما: حجت الاسلام دکتر مهدی فرمانیان، استاد مشاور: حجت الاسلام محمد باقر قیومی، مقطع: کارشناسی ارشد، دانشگاه: مجتمع عالی امام خمینی (ره)، تاریخ دفاع: 1389.
- صراف یزدی، غلامرضا و دیگران، (1390) «ساختار قدرت در پاکستان و علل ناپایداری سیاسی آن»، فصلنامه علوم سیاسی، ش 15.
- فارس نیوز، 7 دی 1391.
- صبوری، منوچهر (1385)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر سخن.
- صدیقی، کلیم (1375)، مسائل نهضت‌های اسلامی، ترجمه سید هادی خسروشاهی، انتشارات مؤسسه اطلاعات تهران.
- طاهر القادری (1392)، محمد، «بلوک منطقه‌ای تشکیل گردد»، قابل دسترس در:
<http://www.khaama.com/persian/archives/1698>
- عارفی، محمد اکرم (1380)، «جنبش اسلامی پاکستان و چالش‌های ساختاری - راهبردی»، فصلنامه خاورمیانه، س 8، ش 27، دوره سوم.
- عارفی، محمد اکرم (1382)، جنبش اسلامی پاکستان؛ بررسی عوامل ناکامی در ایجاد نظام اسلامی، ج 1، قم: نشر بوستان.
- فرمانیان، مهدی، «نگاهی به تاریخ و عقاید و بزرگان دیوبندی و بریلویه»، قابل دسترس در:
<http://mazaheb.com/>
- واعظی، محمود (1390)، پاکستان، چالش‌های داخلی و خارجی، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.

